

بررسی جامعه شناختی عوامل موثر بر الگو پذیری رفتار اجتماعی دختران

دکتر حمید پور یوسفی^۱، اشرف طایفه^۲، مجید آقاپور فرکوش^۳

چکیده

هدف تحقیق حاضر «بررسی جامعه شناختی عوامل موثر بر الگو پذیری رفتار اجتماعی دختران» می باشد به بیان دیگر هدف شناخت و تاثیر عواملی همچون پایگاه طبقاتی والدین، برنامه های آموزشی و پرورشی مدارس و رسانه های جمعی، گروه همالان و گروههای مرجع، گرایش به مدویکپارچگی به دیگران (متغیرهای مستقل) بر الگو پذیری رفتار اجتماعی دختران (متغیر وابسته) می باشد. پژوهش حاضر، باشیوه پیمایشی و اسنادی انجام شده است. تکنیک جمع آوری اطلاعات پرسشنامه ساخت یافته است. جامعه آماری شامل ۷۷۱۵ نفر از دانش آموزان دختر دبیرستانهای مناطق ۱۹۳ شهر تهران که به روش خوشه ای - تصادفی نمونه گیری شده اند. و جمعیت نمونه برابر ۳۷۰ نفر محاسبه شده است.

در این تحقیق ۸ فرضیه تدوین گردیده است. فرضیه هابا توجه به متغیرهای تحقیق و با استفاده از شاخص های آماری t دونمونه ای و آنالیز واریانس (آزمون برابری میانگین ها) مورد آزمون و تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. نتایج حاصل نشان داده است که از بین ویژگی های فردی والدین مثل سن، تحصیلات و شغل، تنها متغیر تحصیلات، با نوع الگوهای رفتار اجتماعی دختران رابطه معنادار نشان داده است. در بین طبقات اجتماعی نیز، تنها در طبقه پایین جامعه با نوع الگوهای رفتار اجتماعی دختران رابطه معنادار مشاهده شده است. رابطه نوع الگوهای رفتار اجتماعی دختران با گروه دوستان و همالان رابطه ای معنادار نشان داده و همچنین رابطه معناداری بین متغیر وابسته تحقیق با نوع فعالیتهای پرورشی و آموزشی مدارس مشاهده شده است. فرضیه دیگر تحقیق ارتباط گروههای مرجع را با متغیر وابسته تحقیق مورد بررسی قرار داده است که این رابطه نیز معنادار نشان نداده است. فرضیه دیگری که به تأیید نرسیده است، رابطه بین رسانه ها و نوع الگوهای رفتار اجتماعی دختران بوده است. فرضیه ارتباط بین مذهبی بودن خانواده با نوع الگوهای رفتاری دانش آموزان رابطه ای معنادار حاصل شده است و بالاخره در آخرین فرضیه که گرایش به مد و یکپارچگی با دیگران را با الگوهای رفتاری دختران مرتبط دانسته است، رابطه ای معنادار نشان داده است.

واژگان کلیدی: الگو پذیری، رفتار، رفتار اجتماعی، دختران

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۸۸/۱۲/۱۲

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۸/۱۱/۲۳

۱- استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال (نویسنده عهده دار مکاتبات)

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد پژوهشگری اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال

۳ عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ملکان

مقدمه

الگوپذیری اگر چه در همه دوران زندگی انسان به چشم می خورد اما در هر دوره سنی، تحت تاثیر الگوهای خاصی قرار می گیرند که با ویژگی های سنی آنان همخوانی بیشتری دارد، به طوری که مثلاً الگوهایی که یک کودک تحت تاثیر آن قرار می گیرد، با الگوهایی که برای یک جوان به عنوان راهنمای عمل مطرح می شوند، تفاوت دارد و هر یک بر حسب نیاز سنی خود می کوشد تا به این خواسته درونی پاسخ گوید. دوره نوجوانی، از دوران چهارم رشد محسوب می شود که از ۱۲ سالگی شروع و تا ۲۰-۱۸ سالگی ادامه دارد.

این دوره رشد، از مهمترین دوران زندگی است، زیرا که نوجوان به لحاظ ویژگی های سنی خود دارای تخیلی قوی است و به همین دلیل نیز آرمانگرایی در او از قوت بیشتری برخوردار است. نوجوانی با نوعی تمایل سرکش به آزادی های بی قید و شرط آغاز می شود. جریانی از رشد که حد فاصل میان کودکی و جوانی قرار دارد و بسیار حساس و مهم است که بنابر این پیروی از الگوهای مناسب رفتاری در این دوره سنی حساس، نقش تعیین کننده ای در ارائه رفتار مطلوب اجتماعی آنان دارد (احمدی، ۱۳۶۴، ص ۳۴).

الگوها، از صور فرهنگی نشات می گیرند و افراد در هنگام عمل به طور طبیعی با این الگوها سر و کار دارند و اعمال آنها نیز با این الگوها تطابق می یابد. نوجوانان آگاهانه یا ناآگاهانه از یک الگو پیروی می کنند و گفتار، رفتار و سکنات آن را سرمشق خود قرار می دهند. علت اصلی این تبعیت و پیروی نیز تاثیر پذیری یا نقش پذیری نوجوان است که بر دو پایه تلقین و تقلید استوار است.

کشور ما به لحاظ فرهنگی، تفاوت های ویژه ای با سایر فرهنگها دارد که ویژگی های جغرافیائی نیز در این زمینه مزید بر علت گردیده است و از آن رومطالعه الگوپذیری رفتار اجتماعی دختران جوان در شرایط غلبه الگوهای کشورهای عمده تا " غربی ضروری می نماید.

بیان مسئله

دوران نوجوانی از دوره های حساس زندگی است و این قشر از سرمایه های ارزشمند هر جامعه محسوب می شوند که در کشور ما بیش از نیمی از جمعیت کشور را تشکیل می دهند.

به زعم صاحب نظران، در این دوران، نوجوان بدنبال کسب هویتی مستقل است. این مقطع از زندگی، دوران تغییرات جسمانی، جنسی، روانی و شناختی و نیز تغییر در الزامات اجتماعی است،

بررسی جامعه‌شناختی عوامل موثر بر الگو پذیری رفتار اجتماعی دختران..... ۱۷۱

در این دوران جامعه از فرد انتظار دارد که مستقل باشد، روابطش را با همسالان و بزرگسالان تغییر دهد، سازگاری جنسی و آمادگی شغلی داشته باشد و علاوه بر همه اینها به دنبال کسب هویت باشد (شعاری‌نژاد، ۱۳۷۴، ص ۸۷).

«نیاز به داشتن هویت مستقل» از نیازهای مهم انسان، بخصوص در این مقاطع سنی است عوامل متعددی در تعیین هویت فرد اثر گذارند که از آن جمله می‌توان به خانواده، نهادهای آموزشی و پرورشی، تغییر و تحولات اجتماعی، گروههای اجتماعی، عناصر فرهنگی، رسانه‌های گروهی، نقشهایی که تاکنون ایفا نموده و یا می‌خواهد ایفا نماید، اشاره نمود (کریمی، ۱۳۷۵، ص ۱۰۳).

چنانچه کسب هویت در دوره نوجوانی به هر دلیلی، به تاخیر افتد، آنگاه نوجوان، در دوره جوانی سعی می‌کند که با کسب هویتی تازه، چارچوب، هدف و خط مشی زندگی را مشخص کند در این زمان جز در موارد استثنایی، اغلب افراد از طریق همانند سازی و همنوایی با رفتارهای متداول یا متعارف جامعه، هم‌رنگ دیگران می‌شود تا از این طریق بتواند از یک احساس امنیت برخوردار شود. حال اگر رفتارهای متعادل یک جامعه، رفتارهایی سازنده و آمیخته به معیارهای اخلاقی باشد، جامعه راه سازندگی و شکوفایی را پیش می‌گیرد و در غیر این صورت جامعه، به سمت انحرافات و نادرستی‌ها جهت می‌گیرد (مقدسی، ۱۳۷۹، ص ۱۱۲).

حدود نیمی از جوانان و نوجوانان کشور ما را دختران تشکیل می‌دهند که، به دلایل محدودیتهای فرهنگی و اجتماعی، «همانند پسران» فرصت‌های برابر جهت حضور آنها در جامعه فراهم نیست و این محدودیتهای هویت‌پذیری آنها را دچار بحران می‌سازد. از طرف دیگر نقش دختران، به عنوان مادران آینده در جامعه از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است و چنانچه آنها به سلامت از این مرحله گذر نمایند، در آینده نیز قادر نیستند نقش خود را به عنوان «زن» در جامعه و «مادر» در خانواده ایفا نمایند. نقش زنان در جامعه به دلیل پتانسیل بالایی که در انتقال فرهنگ به نسل‌های آینده بر عهده دارند، غیر قابل انکار است.

تمایلات قشر جوان کشور ما به لحاظ سبک رفتار اجتماعی، نوع پوشش، تمایل به عناصر فرهنگی غرب مانند نوع موسیقی، آرایش، پیروی از مد و... امروزه در بین نسل جوان ما کاملاً مشهود است.

عدم وجود الگوهای رفتاری متناسب با فرهنگ ملی ما، زمینه‌گرایش دختران جوان را به فرهنگ بیگانه مهیا می‌سازد، فرهنگی که با ارائه الگوهای رفتاری متعارض با فرهنگ ما، آنها

را «بی هویت» و یا دچار «بحران هویت» می‌سازد که اگر به این نکته مسئله آسیب پذیری دختران جوان را به لحاظ روحی، روانی و جنسی اضافه نمائیم و از بعد دیگر نقش مهم آنها را در ساختن حیات اجتماعی آینده در نظر بگیریم، وضعیت بحرانی را هر چه بیشتر احساس می‌کنیم. دختران امروز، به لحاظ نقشی که در نهاد خانواده ایفا خواهند نمود و همچنین نقش آنها در تربیت فرزندان جامعه نیازمند توجه ویژه ای هستند، از این رو اهتمام و تلاش در مورد مسائل آنها در سنین نوجوانی، نوید برخورداری از نسل سالم، خلاق و پر تحرک را در آینده می‌دهد. سلامت روانی این قشر، در سایه توجه همه جانبه به نیازهای وی از جمله نیازهای جسمانی تامین می‌شود. عدم توجه به این نیازها موجب عدم تعادل روانی شده و در نتیجه احتمال بروز اختلال های روانی و عاطفی را در پی خواهد داشت، بنابر این شناخت و رفع نیازهای آنها در دوران نوجوانی و ارائه الگوهای مناسب رفتاری برای آنها ضرورتی انکار ناپذیر است. و بالاخره اینکه، دختران در کشور ما، در معرض افراط و تفریط هایی هستند که جامعه برای آنها در نظر گرفته و در کنار آن با توجه به برخی تعارضات فرهنگی نسل جدید با نسل گذشته، کسب یک هویت مستقل برای آنها را دشوار ساخته است. در تحقیق حاضر، محقق در صدد است به الگوهای پذیری رفتار اجتماعی دختران در مقطع متوسطه پرداخته و این مسئله را با تاکید بر بعد جامعه شناختی آن مورد بررسی قرار دهد.

اهداف تحقیق

هدف اصلی:

شناسایی عوامل موثر بر پذیرش الگوهای رفتار اجتماعی دختران در مقطع متوسطه از اهداف اصلی تحقیق می باشد.

اهداف فرعی:

- شناسایی و بررسی پایگاه طبقاتی والدین در تعیین الگوهای رفتار اجتماعی دختران مقطع متوسطه
- شناسایی نقش آموزش و پرورش (برنامه های درسی، فعالیت های فوق برنامه، برنامه های پرورشی، اردوها و...) در تعیین الگوهای رفتار اجتماعی دختران
- شناسایی نقش رسانه های جمعی (تلویزیون، سینما، ماهواره و...) در تعیین الگوهای رفتار اجتماعی دختران در مقطع متوسطه
- شناسایی نقش گروه همسالان در تعیین الگوهای رفتار اجتماعی دختران در مقطع متوسطه

بررسی جامعه‌شناختی عوامل موثر بر الگو پذیری رفتار اجتماعی دختران..... ۱۷۳

-شناسایی نقش گروه‌های مرجع (قهرمانان ملی و مذهبی، ورزشکاران و...) در تعیین الگوهای رفتار اجتماعی دختران در مقطع متوسطه

-شناسایی و بررسی وضعیت موجود الگوهای رفتار اجتماعی دختران و میزان تطابق آنها با ارزشها.

-شناسایی و بررسی میزان مذهبی بودن خانواده و نقش آن در پذیرش الگوهای رفتار اجتماعی دختران.

ادبیات تحقیق

تحقیقات خارجی

در تحقیقی که در سال ۱۹۸۷ در آمریکا، با عنوان روابط خانوادگی دختران بزهکار صورت گرفت این نتایج حاصل شده است که خانواده‌های سالمی که دارای پسران و دختران غیر بزهکار بوده‌اند نسبت به خانواده‌هایی که دارای پسران و دختران بزهکار بوده‌اند، کارکردهای مناسب‌تری داشته‌اند. همچنین روابط خانوادگی دختران بزهکار نسبت به پسران بزهکار کارکردی نامناسب‌تر داشته‌اند. جوانان بزهکار نسبت به پسران بزهکار کارکردی نامناسب‌تر داشته‌اند. جوانان بزهکار تسلط زیادی روی مادرانشان داشته‌اند. پدران دختران بزهکار عصبی‌تر از پدران پسران بزهکار بوده‌اند. گرچه تحقیق مورد اشاره بر محور بزهکاری صورت گرفته است، اما این نتیجه قابل استفاده است که خانواده می‌تواند الگوی رفتاری مناسبی برای نوجوانان باشد، کما اینکه مشاهده شد فرزندان خانواده‌های سالم کمتر رفتار بزهکارانه دارند.

تحقیق دیگری با عنوان بزهکاری و زندگی خانوادگی در میان جوانان پسر که در سال ۱۹۸۸ در نیویورک روی ۴۰۰۰ نفر از جوانان انجام شده است این نتایج حاصل شده است که زندگی در یک خانواده تک‌والدینی در مقایسه با زندگی در یک خانواده با شرایط سخت اقتصادی، کمتر تحت فشار بزهکار شدن قرار دارد. به عبارت دیگر فقر مالی خانواده با بزهکاری رابطه معنی‌داری دارد. در این تحقیق نیز نقش خانواده در بروز رفتارهای بزهکارانه و ارائه الگوهای مناسب رفتاری برای فرزندان نشان داده شده است.

در تحقیقی که در سال ۱۹۹۲ تحقیق جامعه‌شناسانه‌ای تحت عنوان روابط خانوادگی، روابط با دوستان همسال و فعالیتهای مجرمانه اعضاء دارو دسته بزهکار انجام شده است این نتایج حاصل شده است که نرخ بالای فعالیتهای مجرمانه، در میان کسانی که عضو دارو دسته بزهکاران بوده‌اند، بسیار بالاتر از خلافکارانی بوده است که عضو دسته بزهکاران نبوده‌اند. خشونت و پرخاشگری

۱۷۴ پژوهش نامه علوم اجتماعی ، سال سوم، شماره اول، بهار ۱۳۸۸

زیاد، رشد اجتماعی کم، مربوط به خلافکاران همسن و سالی بوده که در دارو دسته بزهکاران عضویت داشته اند نه آنهایی که عضو نبوده اند.

در این تحقیق نیز، نتیجه بدست آمده نشان دهنده نقش گروه همالان در ارائه الگوهای مناسب رفتاری برای فرزندان و یا تحریک آنها برای بروز رفتارهای بزهکارانه می باشد.

کمپل (۱۹۸۷) در تحقیقی که بر روی دختران ۱۶-۱۵ ساله انجام داده، نشان داده است که متغیرهای مختلف خانوادگی بویژه فقدان مادر یا صمیمیت مادران، عاملی قوی در پیدایش بزهکاری دختران جوان به حساب می آید. این نتیجه نیز تاکید مجددی بر نقش خانواده در ممانعت یا تحریک فرزندان برای ارائه رفتارهای مناسب یا نامناسب می باشد.

در سال ۱۹۸۸، در مطالعه ای که در شیکاگو انجام شده نشان داده شده است که بین فشار اجتماعی، فشار خانوادگی، فشار اقتصادی و همچنین تحرکات مکانی زیاد و رویدادهای محدود کننده زندگی صنعتی امروزه، با رفتار بزهکارانه و ضد اجتماعی دختران و پسران همبستگی معنی داری وجود دارند.

اگنیو^۱ (۱۹۹۱)، در مطالعه ای نشان داده است که فشار دوستان بزهکار، معاشرت با دوستان بزهکار و مدت زمان صرف شده با دوستان بزهکار و همچنین الگوهای رفتاری بزهکارانه ارائه شده توسط بزهکاران مخصوصاً دوستانی که دارای رفتار بزهکارانه شدید هستند، متغیرهایی هستند که در تعامل با یکدیگر، جوانان رابه سمت بزهکاری تشویق می کنند و همبستگی معنی داری بین مجموعه متغیرهای مذکور با رفتار بزهکارانه جوانان بدست آمده است.

رانکین^۲ (۱۹۷۸) در تحقیق خود متغیرهای مدرسه ای و بزهکاری در ارتباط با جنس و سن، نتیجه گرفته است که مشغول بودن جوانان در فعالیتهای همگرای مدرسه، مانند تکالیف شب، فعالیتهای فوق برنامه، عضویت در انجمن مدرسه و نظایر آن با بزهکاری رابطه ای منفی دارد که شاخصی به عنوان تعهد به اهداف همگرای مدرسه نیز به شمار رفته است. نتایج دیگر این تحقیق نشان داده است تاثیرات برخی عوامل مدرسه ای روی بزهکاری جوانان، بیشتر برای پسران است تا دختران و همچنین برای جوانان مسن تر است تا جوانترها.

امپی^۳ (۱۹۸۲) طی مطالعه ای، نشان داده است که گر چه افت تحصیلی با بزهکاری جوانان همبستگی مثبت دارد، اما فقدان دلبستگی جوانان به والدین و معلم و ناتوانی در نیل به اهداف تحصیلی و شغلی، علل متقدمی هستند که هم شکست تحصیلی را و هم ارتکاب به بزهکاری را

باعث می‌شوند.

تحقیقی در سال (۱۹۹۲) تحت عنوان تبیین روابط همسالان و روابط شخصی با بزهکاری روی پسران نوجوان انجام شده و نشان داده شده است که ارتباط قوی تری بین جوانترین بچه‌ها و گروه‌های همسن و سال بزهکار او، از طریق داشتن روابط صمیمی و بسیار نزدیک و خوش بدون با یکدیگر وجود دارد. محقق معتقد است که تحلیل شبکه‌های همسالان و روابط بین آنها می‌تواند برشی از مجموعه خصیصه‌های دنیای یک جوان را به ما بنمایاند. همچنین در این تحقیق گروهی از جرم‌شناسان در سال ۱۹۸۶ طی مطالعه‌ای تحت عنوان دوستی‌ها و بزهکاری فرضیات خود را روی ۸۸۴ نفر از دختران و پسران جوان اجرا نمودند به این نتایج دست یافتند که شباهتهایی در الگوهای دوستی جوانان همراه با اختلافات خاصی در نحوه سرگرمی آنها و همچنین در سطح تصور بزهکاران، مخصوصاً دختران، از موقعیت اجتماعی خودشان دیده می‌شود. آنها استدلال کرده‌اند که استنباط مفاهیم، روابط سرد و شکننده و صمیمیت برادرانه می‌تواند ماهیت روابط دوستانه را بیش از حد مختصر نشان دهند و از ورود به الزامات اجتماعی پیچیده روابط دوستانه بزهکاران ما را بازدارد و به پدیده اهمیت دوستی و دلستگی‌ها از نظر جوانان عمیقاً پی‌بریم.

در سال ۱۹۹۴ مطالعه تحت عنوان زندگی خیابانی و بزهکاری با تاکید بر تئوریهای فشار و کنترل اجتماعی، زندگی خیابانی را از علل مهم بزهکاری جوانان دانسته است. در این مطالعه ۱۰۰۰ نفر از جوانان دختر و پسر وابسته به مدارس دولتی و غیرمورد بررسی قرار گرفته و نشان داده شده است که زندگی خیابانی علت اصلی بزهکاری جوانان است که خود ناشی از زمینه‌های طبقاتی (پایگاه اجتماعی)، سن و جنس، ساخت خانواده، تضاد رفتاری و نحوه نظارت والدین روی رفتار فرزندان و بی‌اعتنایی جوانان نسبت به تعهدات مدرسه و تجربیات مدرسه‌ای می‌باشد.

تیگارت^۴ (۱۹۹۲)، نیز با مطالعه روی دختران و پسران ۱۹ ساله با تکیه بر متغیرهای طبقه اجتماعی خانواده، زمینه‌های مدرسه‌ای، نوع مدرسه و آروزهای جوانان در طبقات مختلف جامعه، نتایج قابل ملاحظه‌ای را نشان داده است. این تحقیق بین سن و بزهکاری همبستگی منفی معنی‌داری را تشخیص نداده است. و بین طبقه اجتماعی و بزهکاری همبستگی منفی ضعیفی را نشان داده است. این تحقیق نشان داده است که مدارس دولتی بزهکاری را افزایش می‌دهد زیرا در زمان مدرسه، جوانان طبقه متوسط، طولانی‌تر از زمان طبقه فقیرتر جامعه بوده است که همین امر باعث افزایش بزهکاری در میان جوانان طبقه متوسط است و در این فرایند جرائم مدرسه‌ای،

الگوهای بزهارانه به جوانان سنین پائین تر منتقل می شود.

تحقیقات داخلی

بزرگزاد (۱۳۷۳) در پایان نامه کارشناسی ارشد که با عنوان بررسی تفاوت بین الگوهای انتخابی نوجوانان در شهر اصفهان انجام داده، به این نتایج رسیده است که یکی از بارزترین ویژگی های دوره نوجوانی فرایند الگوبرداری است. تحقیقات گسترده ای راجع به کیفیت این تاثیر پذیری در نوجوان انجام پذیرفته است. در همان عوامل متعددی که در این فرایند دخیل می باشند، نقش خانواده و ویژگی والدین است. همچنین دو عامل سن و تحصیلات والدین بعنوان دو فاکتور اصلی و مهم که می تواند نقش به سزایی در داشتن و نداشتن الگو و نیز نوع الگو داشته باشد، مد نظر بوده است.

از دیگر نتایج تحقیق، اینکه بین نوجوانان بزهار و غیر بزهار در داشتن و نداشتن الگو تفاوت معناداری وجود ندارد. بین الگوهای انتخابی نوجوانان بزهار و غیر بزهار تفاوت معناداری وجود دارد. الگوهای انتخابی نوجوانان بزهار به ترتیب اولویت عبارتند از الگوهای هنری، اطرافیان، الگوهای علمی- سیاسی و مذهبی، الگوهای خانوادگی. همچنین الگوهای انتخابی نوجوانان غیر بزهار نیز به ترتیب عبارتند از الگوهای خانوادگی، الگوهای ورزشی-هنری، اطرافیان، الگوهای علمی-سیاسی و مذهبی.

نوجوانان دختر و پسر در نوع الگو داشتن و نداشتن تفاوت معناداری با یکدیگر ندارند. از میان ویژگیهای پدر نوجوان، سن پدر نوجوان و میزان تحصیلات وی در نوع الگوی نوجوان و داشتن و نداشتن الگو تاثیر دارد. سن و تحصیلات مادر نوجوان نیز در نوع الگوی وی در انتخاب نوع الگو تاثیر گذار است.

مبانی نظری تحقیق

نظریه کنش متقابل نمادین

برخی از نظریه پردازان کنش متقابل نمادین مانند بلومر (۱۹۶۴) ، مانس و ملتسر (۱۹۷۸) و...

کوشیده اند تا اصول بنیادی این نظریه را به شرح زیر بر شمرده اند:

- انسانها بر خلاف جانوران پست تر، استعداد تفکر دارند.

- استعداد تفکر با کنش متقابل اجتماعی شکل می گیرد.

بررسی جامعه شناختی عوامل موثر بر الگو پذیری رفتار اجتماعی دختران.....۱۷۷

- در کنش متقابل اجتماعی، انسانها معانی و نمادهایی را یاد می گیرند که به آنها اجازه می دهند تا استعداد و متمایز انسانی شان را برای تفکر به کار اندازند.

- معانی و نمادها انسانها را قادر می سازند که کنش و کنش متقابل و متمایز انسانی را انجام دهند.

- انسانها می توانند معانی و نمادهایی را که در کنش ها و کنشهای متقابل شان به کار می برند بر پایه تفسیری که از موقعیت می کنند، تعدیل یا تغییر دهند.

- انسانها تا اندازه ای برای آن می توانند معانی و نمادها را تعدیل و تغییر دهند که توانایی کنش متقابل با خودشان را دارند، زیرا این توانایی به آنها اجازه می دهد که راههای امکان پذیر کنش را بیازمایند، مزایا و عدم مزایای نسبی آنها را سبک سنگین کنند و سپس یک راه را برگزینند.

- الگوهای در هم تنیده کنش و کنش متقابل، گروهها و جامعه ها را می سازند (ریترز، ۱۳۷۴، ص

۲۸۱).

انسانها یک استعداد کلی برای تفکر دارند. این استعداد باید در فراگرد کنش متقابل اجتماعی شکل گیرد و تهذیب شود. این نظر، نظریه پردازان کنش متقابل نمادین را به تاکید بر صورت خاصی از کنش متقابل اجتماعی، یعنی اجتماعی شدن، سوق داد. توانایی اندیشیدن انسان در دوره اولیه اجتماعی شدن در کودکی پرورش می یابد و در دوره بعدی اجتماعی شدن در بزرگسالی تهذیب می شود (همان منبع، ۲۸۳).

از این نظریه می توان برای توجیه تاثیر رفتارهای نوجوانان از گروه همالان سود جست که براین اساس ادعا می شود که نوجوانان در کنش متقابل با دیگر دوستان خود، الگوهای رفتاری خود را انتخاب می کنند.

دیدگاه یادگیری اجتماعی

نماینده قدیم این مکتب جان لاک فیلسوف انگلیسی است با عبارت معروف (لوح سفید) بدین معنی که ضمیر انسان در بدو تولد مانند لوحی ننوشته و سفید است و آنچه بر آن نقش می بندد حاصل کوشش های جامعه در نقش زدن بر آن لوح است.

به عقیده طرفداران نظریه یادگیری اجتماعی بویژه والتر میشل و آلبرت بندورا رفتارهای اخلاقی همانند سایر رفتارهای انسان بیشتر تحت تاثیر شرطی سازی کنشگر و یادگیری مشاهده ای شکل می گیرد. به عبارت دیگر طرفداران این مکتب به طور کلی معتقدند از یکسو اخلاق امری است نسبی، یعنی ارزش های مطلق اخلاقی وجود ندارد ، از سوی دیگر ارزش های اخلاقی نیز مانند سایر رفتارها طبق اصول یادگیری پاداش ، تنبیه ، سرمشق و الگو شکل می گیرد. همچنین طرفداران مکتب یادگیری اجتماعی رفتار اخلاقی را وابسته به موقعیت می دانند و آن را به یک صفت ثابت و ویژگی پایدار یا مرحله خاصی از رشد نسبت نمی دهند.

اخلاق از این دیدگاه عبارت است از مجموعه ای از اعمال و رفتارهای خاص مورد پذیرش جامعه که از طریق پاداش و تنبیهی که به دنبال آن اعمال و رفتار آمده است فراگرفته می شود. پس اگر خانواده کودک به عنوان نماینده جامعه از همان آغاز کودکی رفتارهای اخلاقی را پاداش داده و در برابر رفتارهای غیر اخلاقی واکنش های منفی نشان دهد کودک رفتارهای اخلاقی را خواهد آموخت (<http://www.afarineshdaily.ir>).

تئوری مبادله اجتماعی

هومنز معتقد است رفتار انسان بر پایه دو اصل پاداش و تنبیه تحت کنترل و اصلاح، قرار دارد. لذا رفتار و اهداف انسان بر اساس سود و منفعت ، طراحی و نقش بندی و سازماندهی می شود. بعبارت دیگر هر آنچه که سودی با خود به همراه دارد، برای فرد ارزشمند است و در غیر این صورت اگر هزینه ای که فرد متقبل می شود از سود و پاداش آن عمل بیشتر باشد، آن عمل برای وی ارزشی نخواهد داشت و در روند تغییر رفتار سعی در جبران یا تکرار عمل خواهد نمود (توسلی، ۱۳۶۹، ص ۳۸۷).

منظور از مبادله عملیاتی است که از طریق آن شخص یا گروهی یا کالایی را به گروه یا شخصی دیگر در مقابل دریافت کالا یا خدمتی هم ارز، تسلیم می دارد. هر یک از طرفین مبادله امتیازی می یابد، چه بنظرش کالایی که دریافت داشته حائز ارزش مبادله ای بیشتری نسبت به آنچه تسلیم داشته است، می باشد.

بررسی جامعه‌شناختی عوامل موثر بر الگو پذیری رفتار اجتماعی دختران.....۱۷۹

در معنای مجازی نیز به هنگام بیان صوری از ارتباطات اجتماعی بین انسانها یا بحث از روابط متقابل بین افراد یا گروهها در سطح حیات فکری و یا عاطفی، باز سخن از مبادله به میان می‌آید. به طور کلی مبادله پایه و اساس زندگی در جامعه است، لذا با تکمیل متقابلی که از طریق مبادله صورت می‌گیرد، هر واحد یا هر جزء از حیات اجتماعی از خدمات و کالاهایی که دیگران توان ارائه آن را دارند، برخوردار می‌شود (بیرو، ۱۳۶۶، ص ۱۲۳)

جرج زیمل در این خصوص می‌گوید مبادله شامل عناصر زیر است:

تمایل برای داشتن شیئی با ارزشی که فرد ندارد - این شیئی در مالکیت فرد دیگری است - پیشنهاد عرضه یک کالای با ارزش برای گرفتن آن کالا - قبول این پیشنهاد بوسیله مالک کالا - عبارت دیگر در مبادله اجتماعی نیز ارزش در نهایت وابسته به انگیزه‌ها و نیازهای یک فرد می‌باشد. البته اشیای با ارزش بوسیله الگوهای فرهنگی و اجتماعی تعیین می‌شوند ولی میزان ارزشمندی یک کالا بستگی به تراکم نیازهای فرد و کمیابی یا فراوانی کالا دارد. لذا در مبادله اجتماعی یک کنش اساسی ذاتی وجود دارد که می‌تواند به بروز اشکال دیگر اجتماعی از قبیل تضاد، منتهی گردد. چرا که مبادله زیاد مستلزم کوشش‌هایی برای تغییر وضعیت است. به نحوی که تراکم نیازها برای شیئی مخفی مانده و قابلیت دسترسی به آن کالا کمتر از میزان واقعی نشان داده می‌شود. بنابر این در مبادله اجتماعی هر چقدر منابع نقد شدنی و قابلیت شرکت در مبادلات بیشتری را دارا باشد، قدرت و اختیار فرد افزون خواهد بود. بعبارت دیگر هنگامی که روابط اجتماعی بعد مذهبی و سنتی خود را از دست بدهند، ملاکهای غیر شخصی از قبیل قانون، منطق، اندیشه و پول بر آنها حاکم می‌شود. اگرچه کاربرد این ملاک‌ها افزایش آزادی فردی و عدالت اجتماعی است، در عین حال ابعاد عاطفی و احساسی حیات اجتماعی را کاهش می‌دهد (آبرکرامبی، ۱۳۷۱، ص ۱۱۷).

به طور خلاصه افراد آرزوها و اهداف شخصی روشنی برای خود دارند، هر کسی ممکن است به چیزهایی نیاز داشته باشد، اما این نیازها، اهداف مشترک نیستند، لذا اهداف و خواسته‌های شخصی و منحصر به فرد افراد، انگیزه‌های خود خواهانه‌ای به آنان می‌دهد، و اگر چه فرهنگ نیز در این انگیزش دارای نقش می‌باشد، در عین حال انگیزه‌ها در جهت دستیابی به کالاها، لذات و رضایت خواسته شده سوق داده می‌شوند. در واقع افراد بر اساس خودخواهی به کنش می‌پردازند تا به لذت یا رضایت مطلوب خود برسند، لیکن هر کسی در ازای آنچه می‌گیرد چیزی

باید بدهد، عبارت دیگر اگر رضایت متقابل وجود نداشته باشد هیچ تعامل اجتماعی صورت نخواهد گرفت. معهدا در این داد وستد همیشه دریافت پاداش متضمن هزینه (کوشش برای حصول پاداش های بالقوه ای شده که در نتیجه یک انتخاب معین و کنار گذاشتن انتخابهای دیگر از دست رفته) است. بنابر این رفتار روزمره مردم پاسخی به خواسته و محاسبه فردی است و کنشگران در انتخاب های خود (در مقایسه میان پاداش ها و هزینه های کنش های بدیل) از آزادی زیادی برخوردارند. اما قوی ترین انگیزه یا پاداش مشترک در این تعامل تائید اجتماعی است و به نظر میرسد مردم در زندگی روزمره خود در جستجوی مطلوب واقع شدن هستند و از آن در روابط اجتماعی خود لذت می برند، لذا اشخاصی را که دوست دارند و تائید می کنند، ترجیح می دهند (معاشرت های ترجیحی) و از کسانی که منتقدشان هستند و آنها را خطاکار می پندارند، می پرهیزند. بادر نظر گرفتن تائید اجتماعی به عنوان یک پاداش عمومی، می توان پیش بینی کرد که میزان تائید اجتماعی متقابل (نیاز به پذیرش اجتماعی) میان کسانی که آزادانه و بطور منظم با یکدیگر همکاری دارند بالاست (تنهایی، ۱۳۷۱، ص ۴۹).

هومنز در خصوص این موضوع، می گوید: به طور کلی همنوایی یا عدم همنوایی با گروه به مرتبه ای که فرد در میان اعضای گروه دارد، بستگی پیدا می کند. در واقع هر چه مرتبه یک فرد در میان اعضای گروهش بالاتر باشد، فعالیت هایش با هنجارهای گروه بیشتر هماهنگ است، و عکس آن نیز صادق است.

البته اعضای مرتبه های بالا و پائین در گروهها، دارای میزان کمتری از هماهنگی با گروه هستند ، در حالی که اعضای مرتبه متوسط بیشترین هماهنگی را با گروه دارند. لذا در تبیین نظام تجربی گروهها به کمک چهار متغیر اساسی (یعنی سازش یا عدم سازش - احترام به دیگران و پذیرش توسط گروه و احترام به خود) می توان مرتبه فرد را در گروه نشان داد، یعنی مرتبه بالای پذیرش بوسیله گروه، سازش با عقاید گروه، احترام به خود و رفتاری که در پی اینها به پاداش منجر می شود. هر قدر فرد سازش با گروه ، عضویت در گروه احترام به خود را مرتبه بالاتر و با ارزش تری بیابد تمایل بیشتری برای تعقیب آن رفتارها خواهد داشت. بنابر این افراد مرتبه متوسط به سبب سازش با گروه از حداکثر پاداش برخوردارند، لیکن افراد مرتبه پائین به موجب فدا کردن حس احترام به خود جهت سازش با گروه، از حداقل احترام به خود و پاداش برخوردارند.

به طور خلاصه می‌توان گفت اندیشه‌های صریح و روشنی در رفتارهای مبادله‌ای انسانها وجود دارد که با ارجاع به قضایای ذیل این رفتارها استنتاج می‌گردد.

هر چه عملی بیشتر به پاداش منجر شده باشد شخص بیشتر آن عمل را انجام خواهد داد (قضیه موفقیت)

هر چه زمینه‌ها و موقعیت‌های یک عمل مساعد شده باشد، شخص بیشتر نسبت به آن عمل برانگیخته می‌شود (قضیه انگیزه)

هر چه نتیجه عمل یک شخص برایش با ارزشتر باشد، به همان اندازه علاقه وی نسبت به تدارک انجام آن عمل بیشتر می‌شود. (قضیه ارزش)

هر چه فرد در گذشته نزدیک، نوع خاصی از پاداش را بیشتر دریافت کرده باشد، به همان اندازه واحدهای بعدی آن پاداش برای وی ارزش کمتری در بر خواهد داشت. (قضیه محرومیت و اشباع) هر قدر سودی که فرد به عنوان نتیجه عمل خود بدست می‌آورد بیشتر باشد او به انجام آن عمل راغب‌تر خواهد شد. (قضیه سود و هزینه)

هر قدر فرد پاداشی کمتر از مورد انتظارش دریافت کند (فقدان عدالت توزیعی) بیشتر به انجام دادن رفتار پرخاشگرانه متمایل می‌شود. (انتظار - پرخاش) (توسلی، ۱۳۶۹، ص ۱۲۱).

در واقع اینکه برخی اشخاص دچار رفتار نابهنجار می‌شوند، اینگونه رفتار ناشی از تقویت‌کننده‌های ثانوی است. مثلاً ناکامی از ارضای نیازها موجب بروز رفتار پرخاشگرانه می‌شود، از این رو آرزوی دستیابی به امتیازات هم‌نواپی با دیگران انگیزه رفتار نابهنجار است، چرا که بر اثر فقدان عدالت توزیعی، و عدم ارضای انتظار پاداشت، نارضایتی و مخالفت با هنجارهای جامعه و سپس کجرفتاری و انحرافات اجتماعی را بدنبال خواهد داشت (همان منبع، ص ۱۲۲).

پیتر بلا نیز معتقد است در مبادله اجتماعی، افراد خواهان آنند که پاداش‌های خود را به حداکثر و هزینه‌های خود را به حداقل برسانند، اما ناگزیر عدم تعادل‌ها (ناموزونی شناختی) و (نابرابری‌های اجتماعی) پدید می‌آید. برخی مبادله‌ها پاداش برابری برای دو طرف مبادله در بر ندارد. طرفی که پاداش کمتری گرفته است در واقع برای خوشایند طرف دیگر هزینه‌ای کرده است که نمی‌تواند آن را جبران کند و این یک عدم تعادل است. بنابر این مبادله اجتماعی معمولاً طبیعی نامتعادل دارد، بعبارت دیگر فرد در مقابل دریافت امتیازی که نمی‌تواند به طور کامل آن را تلافی کند، تمایل دارد از بعضی از خواسته‌های خود در مقابل طرف دیگر چشم‌پوشی کند. (به

عنوان تأیید اجتماعی) و فرمانبردار شود. لذا این فرمانبرداری در مبادله های نابرابر نوعی اعتبار به طرف برتر می بخشد. لیکن در این مبادله اجتماعی، خطراتی که از ناحیه رقابت (برای جلب احترام دیگران) ساختار اجتماعی را تهدید می کند با نیازهای گروه، وظایف آن و انواع مختلف پاداش هایی که اعضاء خواهان آن هستند، بر طرف می شود. لذا روابط ساختاری بین اعضاء و یکپارچگی را تقویت می کند، در واقع ساختاری که از مبادله ها ناشی شده باشد برغم خطر مداوم از هم گسستگی می تواند تداوم یابد (همان منبع، ص ۴۲۰).

اشخاصی که به دلایل مختلف برای پاداش ها ارزش قائلند، معمولاً در گروهها جمع می شوند تا بتوانند اهداف فردی خود را پیش ببرند و در عین حال پویایی غیر شخصی هم ایجاد می کند که ارزشهای شدت متفاوت یا متضاد، تعدیل یا طرد شوند. لذا ارزشهای مشترک گروهی دو نوع پیامد دارند:

- ۱- اشتراک در ارزشها، نشانه ای از همبستگی کسانی است که در این ارزشها مشترکند.
- ۲- همان اشتراک در ارزش که به یکپارچگی و تعهد منجر می شود نشانه تفاوت یک گروه با گروههای دیگر است.

در واقع گروهها با ارزشهای متفاوت خود از یکدیگر متمایز می شوند و این می تواند به خصومت و دشمنی بین آنها منجر شود. علاوه بر آن، ارزشها با داشتن چنین تاثیری؛ مشکلات غیر قابل حلی برای افراد بوجود می آورد. تعهد زیاد به ارزشها در یک گروه، روش به دست آوردن منزلت اجتماعی در آن گروه برای شخص متعهد است؛ اما همزمان با آن ممکن است باعث ایجاد تنفر در کسانی شود که در این ارزشها شریک نیستند و فرد را در معضل بین وفاداری گروهی و منافع شخصی قرار دهد، چرا که یکی از نتایج ارزشهای عمومی، شدت یافتن گرایشهای تفرقه آمیز و در برخی موارد انحراف از رفتارهای بهنجار در بعضی اعضای گروه است (اسکید مور، ۱۳۷۲، ص ۱۶).

نظریه یادگیری از راه مشاهده

وقتی که یادگیرنده، یعنی مشاهده کننده، رفتار شخص دیگری را مشاهده می کند که آن شخص برای آن رفتار پاداش یا تقویت، دریافت می نماید. آن رفتار توسط فرد مشاهده کننده آموخته می شود. به این نوع پاداش یا تقویت، تقویت جانشینی می گویند. علاوه بر تقویت جانشینی، در یادگیری از راه مشاهده تنبیه جانشینی هم موثر است. بنابر این، اگر رفتار الگو یا

بررسی جامعه شناختی عوامل موثر بر الگو پذیری رفتار اجتماعی دختران..... ۱۸۳

شخص که سرمشق قرار می گیرد با تقویت یا تنبیه، دنبال شود. این تقویت و تنبیه بر رفتار شخصی که آن رفتار را مورد مشاهده قرار می دهد نیز تاثیر می گذارد. اگر رفتار سرمشق با تقویت دنبال شود، احتمال بروز آن رفتار از سوی مشاهده کننده افزایش می یابد. اگر رفتار سرمشق با تنبیه مواجه شود، احتمال انجام آن رفتار از سوی مشاهده کننده کاهش می یابد (سیف، ۱۳۷۴، ص ۲۸۵).

چندین ویژگی سرمشق می تواند برای جلب توجه یادگیرنده موثر واقع شود. پایگاه اجتماعی سطح بالا، موفقیت زیاد و دانش و تخصص بالا (سیف، ۱۳۷۴، ص ۲۱۴).

یادگیری از راه مشاهده، یکی از تئوری هایی است که رفتار الگوهای نوجوانان را در بروز رفتارهای بزهکارانه تبیین می کند. الگوهایی که امروزه جوانان ما برای خود بر می گزینند و از رفتارهای آنها پیروی می کنند، الگوهایی هستند که رفتار آنها کاملاً با ارزشها و هنجارهای اجتماعی انطباق ندارد، بنابر این پیروی و مشاهده الگوهای ناهمگون با نظام ارزشی جامعه، پیامدهایی مانند رفتار انحراف آمیز و الگوهای منطبق با نظام ارزشی جامعه، ارائه دهنده رفتار مناسب نوجوانان و اخذ الگوهای مناسب رفتاری خواهد بود.

تئوری اجتماعی شدن

روشه، معتقد است بطور کلی بخش عمده حالات وجدان جمعی، نتیجه طرز برخورد افرادی است که به هم پیوسته اند و یکدیگر را تحت تاثیر قرار می دهند و برحسب تعداد و دوری و نزدیکی از یکدیگر این اثر متقابل کم و زیاد می گردد. از آنجا که این وجدان جمعی حاصل زندگی گروهی و جریان اجتماعی شدن است تنها ماهیت گروه می تواند آن را توجیه کند. در واقع مرجع اجتماعی شدن، القای ارزشها و مهارتهاست، به نحوی که هر کسی که نقشی ایفا می کند نسبت به چگونگی رفتار خود و انتظاری که از دیگران دارد، آگاهی کافی داشته باشد، در غیر این صورت بی نظمی و انحراف بوجود خواهد آمد (روشه، ۱۳۶۸، ص ۷۰ و توسلی، ۱۳۶۹، ص ۶۶).

بنابر این تئوری اجتماعی شده می تواند با نقد مراجع رسمی (مدرسه) و غیر رسمی (خانواده و گروه همالان) در القای ارزشهای و هنجارهای اجتماعی، گرایش نوجوانان به انتخاب الگوهای رفتاری مناسب را توجیه نماید.

نظریه یادگیری شناختی اجتماعی

بندورا، واضع این نظریه معتقد است هم عوامل محیطی بیرون از انسان و هم عوامل شناختی درون، در کنترل رفتار انسان موثر هستند. وی بیان می دارد «از دیدگاه یادگیری اجتماعی، مردم نه

به وسیله نیروهای درونی رانده می شوند، نه محرکهای محیطی آنان را به عمل سوق می دهند بلکه کارکردهای روانشناختی بر حسب یک تعامل دو جانبه بین شخص و عوامل تعیین کننده محیطی تبیین می شوند. به طور دقیق شخص، محیط و رفتار شخص بر هم تاثیر و تاثر متقابل دارند و هیچ کدام از این سه جزء را نمی توان جدا از اجزای دیگر به عنوان تعیین کننده رفتار انسان به حساب آورد. نظریه پردازان شناختی اجتماعی بیشتر بر نقش محرکهای شناختی بر رفتار تاکید دارند. در این میان نظریه بندورا از این امتیاز برخوردار است که هر سه دسته عوامل فوق را در ایجاد و نگهداری رفتار موثر می داند (سیف، ۱۳۷۴، ص ۲۸۲).

نظریه زیمل در باره مد

زیمل، معتقد است مد همان تغییر غیر متمرکز جنبه های فرهنگی زندگی است و از یک تنش اساسی و پایه ای در وضعیت اجتماعی انسان ها ناشی می شود. مد به تغییر سلیقه ناگهانی و مکرر همه یا بعضی از افراد و گروههای خاص یک جامعه اطلاق می شود و منجر به انجام رفتاری خاص یا مصرف کالایی بخصوص یا در پیش گرفتن سبک خاص در زندگی می شود (اسفندیار، ۱۳۸۷، نشریه پیام زن، شماره ۱۶۹، ص ۳۳).

مد هم رنگی و تمایز

به عقیده زیمل «مد» هم میل به هم رنگی با دیگران را ارضا میکند و هم میل جدایی و ممتاز بودن از دیگران را، فرد با پیروی از «مد» هم خود را متفاوت و بدیع احساس می کند و هم مورد تأیید اکثریتی که مانند او رفتار می کنند، می داند. بنابراین، «مد» نهاد اجتماعی مهم و قابل توجهی است که میان میل به هم رنگی با دیگران و تأیید آنان و ایمنی از یکسو و میل به ممتاز بودن و تفرد و خاص بودن از سوی دیگر تعادل مناسبی به وجود می آورد (فتحی، ۱۳۸۵، ص ۱۰۳).

زیمل معتقد است که طبقه متوسط بیش از سایر طبقات از مد تبعیت می کنند. قشر کارگر جامعه به محض اینکه سطح زندگی خود را از سطح تامین ضروریات زندگی بالاتر ببینند مد مخصوص به خودشان را ایجاد می کنند و این علامت تحرک اجتماعی است.

ویژگی های مد از نظر زیمل از این قرار هستند:

مد و تکرار: در جریات تغییرات مد، همیشه یک دوره تسلسل و تکرار وجود دارد و معمولاً هر چند سال یک بار تکرار می شود.

مد و زن: زیمل معتقد است که مد رابطه مستقیمی با زنان دارد. از دیدگاه او، در تغییر به سوی مدرنیته، فرصت شکوفایی و تحرک از زنان سلب شد و این امر باعث شد تا زنان این تنوع و

شکوفایی را در پدیده مد جستجو کنند. به همین خاطر هم هست که سرعت تغییرات مد در کالاهای مربوط به زنان بیش از کالاهای مربوط به مردان است. به نظر زیمل زنان توسط مد می‌توانند هم فردیت خود را به اثبات برسانند و هم به وحدتی یکپارچه دست یابند. آنان از طریق بهره‌مندی از مد می‌توانند برای خود و دیگران جذاب تر باشند. از طرف دیگر زیمل، معتقد است زنان ذاتاً انسان‌هایی وفادار و با ثبات هستند. در صورتی که مردان در زندگی شخصی و فردی خود بسیار تنوع طلبند و به همین خاطر زنان تنوع طلبی را در وجود مد جستجو می‌کنند.

مد و مقاومت

زیمل معتقد است که زنان با انتخاب مدهای جدید، دست به مقاومت در برابر موقعیت حاشیه‌ای خود می‌زنند. به عبارت دیگر زیمل معتقد است که زنان با مقاومت در برابر شیوه‌های مرسوم مصرف، سعی دارند هویت جدیدی برای خود بازآفرینند که آنها را از موقعیتی حاشیه‌ای خارج کرده و در معرض دید قرار دهد.

زیمل همچنین معتقد است که مد می‌تواند نقش سوپاپ اطمینان را بازی کرده و گریزگاهی باشد از طغیان گروه‌های حاشیه‌ای اما می‌تواند نمادی هم باشد از میزان مقاومت جامعه در برابر فرهنگ عمومی. بنا بر این به نظر می‌رسد برای حل این معضل اجتماعی راه‌های ابراز وجود و کسب هویت مناسبی در جامعه تعبیه شود تا معضل مد‌گرایی افراطی حل شود. (زیمل، ۱۳۸۶)

همانطور که زیمل مد را از مختصات دنیای مدرن می‌داند. زنان از طریق مد‌گرایی سعی دارند هویت خود را به گونه‌ای متمایز شکل دهند و از طریق نمایش ذوق و سلیقه خود به کسب منزلت اجتماعی بپردازند. هر چند که نمایش ذوق و سلیقه و کسب منزلت از طریق آن همواره بطور سنتی انجام می‌گرفته است، اما در دوره معاصر به علت فارغ شدن نسبی نمادها از نظام‌های منزلتی و افزایش تحرکات فردی، اهمیت این نمادها افزایش یافته است و ویژگی‌های لباس و معیارهای انتخاب پوشاک به عنوان ابزاری در این راستا وارد عمل می‌شود. از آنجا که افراد در تلاش‌های رقابت‌آمیز از طریق کانال‌های رسمی نمی‌توانند اعتبار و منزلت لازم را کسب نمایند و از فقدان آن رنج می‌برند در یک فرهنگ رقابت‌آمیز به رفتارهای نمایشی روی می‌آورند. فرهنگ دوره اخیر، فرهنگ نمایشی و بصری است (فتیحی، ۱۳۸۵، ص ۱۱۷).

ماتریس چارچوب نظری

تئوری	شرح تئوری	فرضیه مرتبط با تئوری
تئوری کنش متقابل نمادین	بر اساس این نظریه الگوهای در هم تنیده کنش و کنش متقابل، گروهها و جامعه ها را می سازند. انسانها دارای استعداد کلی برای تفکر هستند که این استعداد باید در فراگرد کنش متقابل اجتماعی شکل گیرد و تهذیب شود. این نظر، نظریه پردازان کنش متقابل نمادین را به تاکید بر صورت خاصی از کنش متقابل اجتماعی، یعنی اجتماعی شدن، سوق داد. توانایی اندیشیدن انسان در دوره اولیه اجتماعی شدن در کودکی پرورش می یابد و در دوره بعدی اجتماعی شدن در بزرگسالی تهذیب می شود. این نظریه تاثیر رفتارهای نوجوانان از گروه همسالان و انتخاب الگوهای رفتاری را توجیه می سازد.	- بین نوع دوستان و گروه همسالان (موقعیت اجتماعی و خانوادگی) با نوع الگوی رفتار اجتماعی دختران رابطه معنادار وجود دارد.
تئوری یادگیری اجتماعی	از منظر این تئوری، اخلاقی عبارت است از مجموعه ای از اعمال و رفتارهای خاص مورد پذیرش جامعه که از طریق پاداش و تنبیهی که به دنبال آن اعمال و رفتار آمده است فرا گرفته می شود. پس اگر خانواده کودک به عنوان نماینده جامعه از همان آغاز کودکی رفتارهای اخلاقی را پاداش داده و در برابر رفتارهای غیر اخلاقی واکنش های منفی نشان دهد کودک رفتارهای اخلاقی را خواهد آموخت. اعمال مذهبی در خانواده می تواند منشاء انتخاب الگوهای مناسبی برای فرزندان باشد.	بین میزان مذهبی بودن خانواده و نقش آن در پذیرش الگوهای رفتار اجتماعی رابطه وجود دارد.
تئوری زیمل در مورد مدگرایی	زیمل معتقد است که طبقه متوسط پیش از سایر طبقات از مد تبعیت می کنند. قشر کارگر جامعه به محض اینکه سطح زندگی خود را از سطح تامین ضروریات زندگی بالاتر ببینند. مد مخصوص به خودشان را ایجاد می کنند و این علامت تحرک اجتماعی است. زیمل معتقد است که مد رابطه مستقیمی با زنان دارد. از دیدگاه او، در تغییر به سوی مدرنیته، فرصت شکوفایی و تحرک از زنان سلب شد و این امر باعث شد تا زنان این تنوع و شکوفایی را در پدیده مد جستجو کنند. به همین خاطر هم هست که سرعت تغییرات مد در کالاهای مربوط به زنان بیش از کالاهای مربوط به مردان است. به نظر زیمل زنان توسط مد می توانند هم فردیت خود را به اثبات برسانند و هم به وحدتی یکپارچه دست یابند.	- بین ویژگی های طبقاتی خانواده و الگوهای رفتار اجتماعی دختران در مقطع متوسطه رابطه معنادار وجود دارد. - بین گرایش دختران به مدویکیپارچگی بادیگران بالالگوهای رفتار اجتماعی دختران در مقطع متوسطه رابطه معنادار وجود دارد.
تئوری یادگیری از راه مشاهده	بر اساس این نظریه وقتی که مشاهده کننده، رفتار شخص دیگری را مشاهده می کند که آن شخص برای آن رفتار پاداش یا تقویت، دریافت می نماید. آن رفتار توسط فرد مشاهده کننده آموخته می شود. اگر رفتار سرمشق با تقویت دنبال شود، احتمال بروز آن رفتار از سوی مشاهده کننده افزایش می یابد. اگر رفتار سرمشق یا تنبیه مواجه شود، احتمال انجام آن رفتار از سوی مشاهده کننده کاهش می یابد. چندین ویژگی سرمشق می تواند برای جلب توجه یادگیرنده موثر واقع شود. پایگاه اجتماعی سطح بالا، موفقیت زیاد و دانش و تخصص بالا. یادگیری از راه مشاهده، یکی از تئوری هایی است که رفتار الگوهای نوجوانان را در بروز رفتارهای بزهکارانه تبیین می کند. الگوهای که امروزه جوانان ما برای خود بر می گزینند و از رفتارهای آنها پیروی می کنند، الگوهایی هستند که رفتار آنها کاملاً با ارزشها و هنجارهای اجتماعی انطباق ندارد، بنابر این پیروی و مشاهده الگوهای ناهمگون با نظام ارزشی جامعه، پیامدهایی مانند رفتار انحرافی آمیز و الگوهای منطبق با نظام ارزشی جامعه، ارائه دهنده رفتار مناسب نوجوانان و اخذ الگوهای مناسب رفتاری خواهد بود.	- بین نوع برنامه های رسانه های دیداری و الگوهای رفتار اجتماعی دختران رابطه معنادار وجود دارد. - بین موقعیت اجتماعی گروههای مرجع (فهرمان ملی و مذهبی و ورزشکاران و شخصیت های علمی) با انتخاب الگوهای رفتار اجتماعی دختران رابطه معنادار وجود دارد. - بین ویژگی های فردی والدین (سن، میزان تحصیلات، شغل) با نوع الگوهای رفتار اجتماعی دختران رابطه معنادار وجود دارد.
تئوری اجتماعی شدن	بر اساس این نظر، به مرجع اجتماعی شدن، القای ارزشها و مهارتهاست، به نحوی که هر کسی که نقشی ایفا می کند نسبت به چگونگی رفتار خود و انتظاری که از دیگران دارد، آگاهی کافی داشته باشد، در غیر این صورت بی نظمی و انحراف بوجود خواهد آمد. بنابر این تئوری اجتماعی شدن می تواند با نقد مراجع رسمی (مدرسه) و غیر رسمی (خانواده و گروه همسالان) در القای ارزشهای و هنجارهای اجتماعی، گرایش نوجوانان به انتخاب الگوهای رفتاری مناسب را توجیه نماید.	- بین برنامه های پرورشی، فوق برنامه، محتوای دروس در آموزش و پرورش و الگوهای رفتار اجتماعی دختران رابطه معنادار وجود دارد. - بین ویژگی های فردی والدین (سن، میزان تحصیلات، شغل) با نوع الگوهای رفتار اجتماعی دختران رابطه معنادار وجود دارد.

فرضیه های تحقیق

- بین ویژگی های طبقاتی خانواده و الگوهای رفتار اجتماعی دختران در مقطع متوسطه رابطه معنادار وجود دارد.

- بین ویژگی های فردی والدین (سن، میزان تحصیلات، شغل) با نوع الگوهای رفتار اجتماعی دختران رابطه معنادار وجود دارد.

- بین نوع دوستان و گروه همسالان (موقعیت اجتماعی و خانوادگی) با نوع الگوی رفتار اجتماعی دختران رابطه معنادار وجود دارد.

- بین برنامه های پرورشی، فوق برنامه، محتوای دروس در آموزش و پرورش و الگوهای رفتار اجتماعی دختران رابطه معنادار وجود دارد.

- بین نوع برنامه های رسانه های دیداری و الگوهای رفتار اجتماعی دختران رابطه معنادار وجود دارد.

- بین موقعیت اجتماعی گروههای مرجع (قهرمانان ملی و مذهبی و ورزشکاران و شخصیت های علمی) با انتخاب الگوهای رفتار اجتماعی دختران رابطه معنادار وجود دارد.

- بین میزان مذهبی بودن خانواده و نقش آن در پذیرش الگوهای رفتار اجتماعی دختران رابطه معنادار وجود دارد.

- بین گرایش دختران به مدویکپارچگی با دیگران با الگوهای رفتار اجتماعی آنها رابطه معنادار وجود دارد.

روش تحقیق

قلمرو زمانی

قلمرو زمانی تحقیق پاییز سال ۱۳۸۸ و قلمرو مکانی تحقیق دبیرستانهای دخترانه مناطق ۳ و ۱۹ آموزش و پرورش شهر تهران می باشد.

جامعه آماری

یک تحقیق علمی با هدف شناخت یک پدیده در جامعه آماری انجام می شود. به این دلیل، موضوع تحقیق ممکن است متوجه صفات، ویژگیها، کارکردها و متغیرهای آن یا اینکه متوجه روابط بین متغیرها، صفات، کنش و واکنش و عوامل تأثیرگذار در جامعه باشد.

جامعه آماری این تحقیق، دانش آموزان دختر پایه های دوم - سوم مناطق ۳ و ۱۹ شهر تهران می باشند که در زمان انجام تحقیق حاضر در حال تحصیل بوده اند.

تعیین حجم نمونه

تعیین حجم نمونه یکی از اساسی ترین و مشکل ترین گامهای هر تحقیق میدانی بوده و دقت در تعیین حجم نمونه متضمن صحت تعمیم و نتیجه گیری می باشد. بنابراین حجم نمونه در این تحقیق ۳۶۶ نفر می باشد.

روش نمونه‌گیری

در این تحقیق از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای-تصادفی استفاده شده است. بدین ترتیب که ابتدا از بین مناطق آموزش و پرورش شهر تهران دو منطقه ۳ و ۱۹ انتخاب و از هر منطقه ۴ دبیرستان دخترانه و از هر دبیرستان ۴ کلاس انتخاب و سپس به طور تصادفی در هر کلاس پرسشنامه‌ها بین دانش‌آموزان توزیع گردید.

روش گردآوری اطلاعات

روش اسنادی

از این روش برای جمع‌آوری اطلاعات در زمینه ادبیات و پیشینه تحقیق استفاده گردید. لذا با مطالعه کتابها، مقالات و تحقیقات دیگر پژوهشگران، جستجو در اینترنت و ملاقات حضوری با تعدادی از اساتید اطلاعات مورد نیاز جمع‌آوری گردید.

روش میدانی

از آنجائیکه پژوهش حاضر از نوع توصیفی می‌باشد، همچون بسیاری از مطالعات توصیفی مشابه برای جمع‌آوری اطلاعات موردنظر در جهت آزمون فرضیات از پرسشنامه استفاده گردیده است. سؤالات پرسشنامه از نوع سؤالی‌های بسته بوده و مقیاس اندازه‌گیری سؤالات، از نوع مقیاس پنج گزینه‌ای لیکرت بوده است. (پرسشنامه پیوست).

تعیین روایی پرسشنامه

برای افزایش روایی و اعتبار پرسشنامه ابتدا تعداد ۲۰ پرسشنامه در بین دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه توزیع گردید و کلیه ابهامات آنها در رابطه با سؤالات مشخص شد. بدین ترتیب تعدادی از سؤالات حذف و تعدادی دیگر جایگزین شد و در نهایت پس از شفاف شدن و رفع ابهامات، پرسشنامه نهایی تهیه و توزیع گردید.

در این تحقیق برای افزایش روایی محتوای پرسشنامه از ابزارهای ذیل استفاده شد:

- ۱- استفاده از نظرات استاد راهنما، مشاور، متخصصان و کارشناسان امور پژوهشی
- ۲- مطالعه پرسشنامه‌های مشابه، مقالات، کتب و مجلات.
- ۳- توزیع ابتدایی پرسشنامه بین تعداد ۲۰ نفر از دانش‌آموزان مقطع متوسطه و اعمال نظرات اصلاحی آنان.

پایایی پرسشنامه

. برای برآورد اعتبار پرسشنامه از روش دونیمه کردن پرسشنامه استفاده شده است. در واقع در مورد پرسشنامه‌هایی که پاسخ‌های چندگزینه‌ای دارند، استفاده از فرمول روش دونیمه کردن پرسشنامه توصیه شده است.

Reliability Statistics

Cronbach's Alpha	Part 1	Value	.745
		N of Items	28
	Part 2	Value	.771
		N of Items	27
	Total N of Items		55
Correlation Between Forms			.651
Spearman-Brown Coefficient	Equal Length		.668
	Unequal Length		.669
Guttman Split-Half Coefficient			.669

با توجه به ضریب همبستگی بدست آمده با روش دو نیمه کردن که اندازه همبستگی برابر ۰/۶۵ می باشد ضریب گوتمن نیز برابر ۰/۶۷ می باشد که نشان دهنده ارتباط معنا دار بین دو قسمت پرسشنامه می باشد که خود گویای پایایی ابزار سنجش است .

یافته های تحقیق

- به نظر شما کدام گروه زیر می توانند الگوی مناسبی برای نوجوانان باشند .

جدول شماره(۱) توزیع افراد نمونه برحسب انتخاب کدام گروه به عنوان الگوی مناسب

بدون جواب	جمع کل	اولویت پنجم	اولویت چهارم	اولویت سوم	اولویت دوم	اولویت اول	گروه
67	303	58	68	65	72	40	ورزشکاران
70	300	84	45	29	52	90	هنرپیشگان و بازیگران
69	301	32	73	91	77	28	هنرمندان (نقاش، خطاط، مجسمه ساز، ...)
72	298	17	79	96	67	39	قهرمانان ملی
73	297	108	33	25	35	96	شخصیتهای مذهبی

اکثر افراد شخصیتهای مذهبی و هنرپیشگان را اولویت اول بعنوان الگوی مناسب برای نوجوانان می دانند و پس از آن قهرمانان ملی، ورزشکاران و در آخر هنرمندان قرار دارند. به نظر می رسد

۱۹۰ پژوهش نامه علوم اجتماعی ، سال سوم، شماره اول، بهار ۱۳۸۸

نوع تربیت فرزندان در خانواده های ایرانی که مذهب جزء لاینفک آنان است بر انتخاب نوع الگو برای آنان موثر بوده است .

آزمون فرضیات

- بین ویژگیهای فردی و والدین (سن ، تحصیلات ، شغل) با نوع الگوهای رفتار اجتماعی دختران ارتباط معناداری وجود دارد

جدول شماره (۲) آماره های توصیفی تناسب الگو رفتاری به تفکیک رده های سنی والدین

سن	میانگین رتبه تناسب الگو	انحراف معیار
<40	3.4633	.61414
41-45	3.4730	.50066
46-50	3.4398	.51927
>50	3.4053	.57494
مجموع	3.4525	.53483

جدول شماره (۳) آنالیز واریانس تناسب الگو رفتاری به تفکیک رده های سنی والدین

آنالیز واریانس					
الگو رفتاری	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	F	سطح معنی داری
بین گروه	.213	3	.071	.247	.864
درون گروه	101.046	351	.288		
مجموع	101.259	354			

سطح معنی داری آزمون فوق (۰/۸۴۶) می باشد که بیشتر از ۰/۰۵ می باشد در نتیجه فرض برابری میانگین رتبه تناسب الگو به تفکیک رده های سنی والدین رد نمی شود بدین معنی که میانگین رتبه در رده های مختلف سنی والدین یکسان می شود . بنابراین می توان نتیجه گرفت که بین سن والدین با نوع الگوهای رفتار اجتماعی دختران ارتباط معناداری وجود ندارد .

جدول شماره (۴) آماره های توصیفی تناسب الگو رفتاری به تفکیک تحصیلات والدین

تحصیلات	میانگین رتبه تناسب الگو	انحراف معیار
زیر دیپلم	3.6439	.47223
دیپلم و فوق دیپلم	3.3467	.51288
لیسانس	3.4395	.49507
فوق لیسانس و بالاتر	3.2532	.57866
مجموع	3.4510	.52667

جدول شماره (۵) آنالیز واریانس تناسب الگو رفتاری به تفکیک تحصیلات والدین

آنالیز واریانس					
الگو رفتاری	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	F	سطح معنی داری
بین گروه	8.076	3	2.692	10.471	.000
درون گروه	91.781	357	.257		
مجموع	99.857	360			

سطح معنی داری آزمون فوق (۰/۰۰۰) می باشد که کمتر از ۰/۰۵ می باشد در نتیجه فرض برابری میانگین رتبه تناسب الگو به تفکیک تحصیلات والدین رد می شود بدین معنی که میانگین رتبه در رده های مختلف تحصیلی والدین یکسان نمی شود. بنابراین می توان نتیجه گرفت که بین تحصیلات والدین با نوع الگوهای رفتار اجتماعی دختران ارتباط معنی داری وجود دارد.

جدول شماره (۶) رتبه بندی و گروه بندی تناسب الگو رفتاری به تفکیک تحصیلات والدین (دانکن)

Subset for alpha = .05			تحصیلات
3	2	1	
		3.2532	فوق لیسانس و بالاتر
	3.3467	3.3467	دیپلم و فوق دیپلم
	3.4395		لیسانس
3.6439			زیر دیپلم
1.000	.248	.244	Sig.

جدول شماره (۷) آماره های توصیفی تناسب الگو رفتاری به تفکیک شغل والدین

انحراف معیار	میانگین رتبه تناسب الگو	شغل والدین	الگو رفتاری
.52068	3.4728	آزاد	
.54419	3.4297	دولتی	

آزمون برابری میانگین				آزمون برابری واریانس (لون)			
فاصله اطمینان ۹۵ درصد		اختلاف میانگین	سطح معنی داری	درجه آزادی	t	سطح معنی داری	F
حد بالا	حد پایین						
.411	.677	.04318	.448	356	.760	.411	.677

سطح معنی داری آزمون فوق (۰/۴۴۸) می باشد که بیشتر از ۰/۰۵ می باشد در نتیجه فرض برابری میانگین رتبه تناسب الگو به تفکیک شغل والدین رد نمی شود بدین معنی که میانگین رتبه به تفکیک نوع شغل والدین یکسان می باشد. بنابراین می توان نتیجه گرفت که بین شغل والدین با نوع الگوهای رفتار اجتماعی دختران ارتباط معنی داری وجود ندارد.

- بین ویژگی های طبقاتی با نوع الگوهای رفتار اجتماعی دختران ارتباط معناداری وجود دارد

جدول شماره (۸) آنالیز واریانس رابطه ویژگی های طبقاتی با نوع الگوی رفتار اجتماعی

آنالیز واریانس					
الگو رفتاری	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	F	سطح معنی داری
بین گروه	6.124	2	3.062	11.482	.000
درون گروه	96.532	362	.267		
مجموع	102.655	364			

سطح معنی داری آزمون فوق (۰/۰۰۰) می باشد که کمتر از ۰/۰۵ می باشد در نتیجه فرض برابری میانگین رتبه تناسب الگو به تفکیک طبقه اجتماعی رد می شود بدین معنی که میانگین رتبه در رده های مختلف طبقه یکسان نمی شود. بنابراین می توان نتیجه گرفت که بین ویژگی طبقاتی با نوع الگوهای رفتار اجتماعی دختران ارتباط معناداری وجود دارد. حال سوال این است که کدام طبقه بیشترین تناسب الگو و کدام کمترین تناسب الگو رفتاری وجود دارد. بنابراین نیاز به مقایسه چند گانه وجود دارد

جدول شماره (۹) رتبه بندی و گروه بندی تناسب الگو رفتاری به تفکیک طبقه اجتماعی (دانکن)

گروه بندی دانکن		
Subset for alpha = 0.05		طبقه
2	1	بالا
	3.2991	
	3.4162	متوسط
3.5910		پائین
1.000	.091	سطح معنی داری

با توجه به نتایج بدست آمده از جدول فوق به این نتیجه می رسیم که در طبقه اجتماعی پائین بیشترین میانگین رتبه تناسب الگو وجود دارد رده طبقه متوسط در رتبه دوم با میانگین رتبه ۳/۴۲ و طبقه اجتماعی بالا با کمترین رتبه (۳/۲۹) در رتبه آخر قرار دارد و در نتیجه در طبقه اجتماعی پائین الگو های رفتاری دختران آنها قوی می باشد در حالی که در طبقه اجتماعی بالا دختران آنها ضعیفترین الگوی رفتاری را دارا می باشند و در طبقه اجتماعی متوسط الگوی رفتاری دختران در حد متوسط نسبت به سایر طبقات قرار دارد.

بررسی جامعه شناختی عوامل موثر بر الگو پذیری رفتار اجتماعی دختران..... ۱۹۳

- بین نوع دوستان و گروه همسالان با نوع الگوهای رفتار اجتماعی دختران ارتباط معنا داری وجود دارد

جدول شماره (۱۰) آنالیز واریانس رابطه ویژگی های طبقاتی با نوع الگوی رفتار اجتماعی

آنالیز واریانس					
الگو رفتاری	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	F	سطح معنی داری
بین گروه	1.627	2	.813	3.051	.049
درون گروه	95.693	359	.267		
مجموع	97.320	361			

سطح معنی داری آزمون فوق (۰/۰۴۹) می باشد که کمتر از ۰/۰۵ می باشد در نتیجه فرض برابری میانگین رتبه تناسب الگو به تفکیک طبقه اجتماعی دوستان رد می شود بدین معنی که میانگین رتبه در رده های مختلف طبقه یکسان نمی شود. بنابراین می توان نتیجه گرفت که بین نوع دوستان و گروه همسالان با نوع الگوهای رفتار اجتماعی دختران ارتباط معنا داری وجود دارد. حال سوال این است که کدام طبقه بیشترین تناسب الگو و در کدام طبقه دوستان کمترین تناسب الگو رفتاری وجود دارد. بنابراین نیاز به مقایسه چند گانه وجود دارد

جدول شماره (۱۱) رتبه بندی و گروه بندی تناسب الگو رفتاری به تفکیک طبقه اجتماعی دوستان (دانکن)

گروه بندی دانکن	
Subset for alpha = 0.05	طبقه اجتماعی دوستان
1	بالا
3.3859	متوسط
3.4912	پائین
3.5226	سطح معنی داری
.۲۳۱	

با توجه به نتایج بدست آمده از جدول فوق به این نتیجه می رسیم که کسانی که طبقه اجتماعی دوستان آنها در حد پائین می باشد تناسب الگوی رفتاری بیشتری نسبت به سایرین داشته اند. جالب توجه اینکه دخترانی که دوستان آنها در طبقه اجتماعی بالا قرار دارند تناسب در الگوی رفتاری ضعیف تر عمل کرده اند و در نهایت اشخاصی که طبقه اجتماعی دوستان آنها در حد متوسط می باشد در الگوی رفتاری نسبت به دو گروه قبلی در حد متوسط می باشند

- بین برنامه های مدارس با نوع الگوهای رفتار اجتماعی دختران ارتباط معنا داری وجود دارد

جدول شماره (۱۲) آماره های توصیفی تناسب الگو رفتاری به تفکیک شرکت در برنامه های مدارس

انحراف معیار	میانگین رتبه تناسب الگو	شرکت در برنامه های مدارس	الگو رفتاری
.51946	3.4935	بلی	
.54368	3.3733	خیر	

آزمون برابری میانگین				آزمون برابری واریانس (لون)			
فاصله اطمینان ۹۵ درصد	اختلاف میانگین	سطح معنی داری	درجه آزادی	T	سطح معنی داری	F	برابری واریانس
.2360	.00423	.1201 3	.042	365	2.038	.696	.153

سطح معنی داری آزمون فوق (۰/۰۴۲) می باشد که کمتر از ۰/۰۵ می باشد در نتیجه فرض برابری میانگین رتبه تناسب الگو به تفکیک شرکت در برنامه های مدارس رد می شود بدین معنی که میانگین رتبه به تفکیک شرکت کردن یا نکردن در برنامه های مدارس یکسان نمی باشد. با توجه به نتایج دخترانی که در بین برنامه های مدارس شرکت می کنند تناسب رفتاری بهتری نسبت به سایرین دارند

- بین گروههای مرجع با نوع الگوهای رفتار اجتماعی دختران ارتباط معنا داری وجود دارد

جدول شماره (۱۳) آماره های توصیفی تناسب الگو رفتاری به تفکیک گروههای مرجع

انحراف معیار	میانگین رتبه تناسب الگو	گروههای مرجع
.64904	3.3072	ورزشکاران
.49962	3.5226	هنرپیشگان و بازیگران
.60308	3.4342	هنرمندان (نقاش، خطاط، مجسمه ساز،...)
.51513	3.3696	فهرمانان ملی
.52394	3.4320	شخصیتهای مذهبی
.54194	3.4358	مجموع

جدول شماره (۱۴) آنالیز واریانس تناسب الگو رفتاری به تفکیک گروههای مرجع

آنالیز واریانس					
الگو رفتاری	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	F	سطح معنی داری
بین گروه	1.224	4	.306	1.042	.386
درون گروه	69.556	237	.293		
مجموع	70.780	241			

سطح معنی داری آزمون فوق (۰/۳۸۶) می باشد که بیشتر از ۰/۰۵ می باشد در نتیجه فرض برابری میانگین رتبه تناسب الگو به تفکیک گروههای مرجع رد نمی شود بدین معنی که میانگین رتبه در رده های گروههای مرجع یکسان می باشد. بنابراین می توان نتیجه گرفت که بین گروههای مرجع با نوع الگوهای رفتار اجتماعی دختران ارتباط معنا داری وجود ندارد. با این حال با توجه به نتایج بدست آمده کسانی که گروههای مرجع آنها هنرپیشگان و بازیگران می باشد تناسب الگوی بیشتر و کسانی که گروههای مرجع آنها ورزشکاران می باشد تناسب الگوی کمتری نسبت به سایر گروهها داشته اند

- بین رسانه ها با نوع الگوهای رفتار اجتماعی دختران ارتباط معنا داری وجود دارد

جدول شماره(۱۵) آماره های توصیفی تناسب الگو رفتاری به تفکیک میزان استفاده از رسانه ها

میزان استفاده از رسانه (کامپیوتر ، ماهواره ویدئو)	میانگین رتبه تناسب الگو	انحراف معیار
اصلاً	3.5620	.44569
کمتر از ۲ ساعت	3.4183	.50390
۲ تا ۴ ساعت	3.4754	.64161
بیشتر از ۴ ساعت	3.3394	.61908
مجموع	3.4561	.53462

جدول شماره(۱۶) آنالیز واریانس تناسب الگو رفتاری به تفکیک میزان استفاده از رسانه ها

آنالیز واریانس					
الگو رفتاری	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	F	سطح معنی داری
بین گروه	1.699	3	.566	1.998	.114
درون گروه	101.768	359	.283		
مجموع	103.467	362			

سطح معنی داری آزمون فوق (۰/۱۱۴) می باشد که بیشتر از ۰/۰۵ می باشد در نتیجه فرض برابری میانگین رتبه تناسب الگو به تفکیک میزان استفاده از رسانه ها رد نمی شود بدین معنی که میانگین رتبه در رده های مختلف یکسان می شود . بنابراین می توان نتیجه گرفت که بین رسانه ها با نوع الگوهای رفتار اجتماعی دختران ارتباط معنا داری وجود ندارد .

-بین مذهبی بودن خانواده با نوع الگوهای رفتار اجتماعی دختران ارتباط معنا داری وجود دارد

جدول شماره(۱۷) آماره های توصیفی تناسب الگو رفتاری به تفکیک مذهبی بودن

مذهبی بودن خانواده	میانگین رتبه تناسب الگو	انحراف معیار
اصلاً	3.5726	.51039
تا حدودی	3.3632	.50270
کاملاً	3.4154	.60666
مجموع	3.4560	.53128

جدول شماره(۱۸) آنالیز واریانس تناسب الگو رفتاری به تفکیک مذهبی بودن

آنالیز واریانس					
الگو رفتاری	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	F	سطح معنی داری
بین گروه	3.488	2	1.744	6.360	.002
درون گروه	99.820	364	.274		
مجموع	103.308	366			

۱۹۶..... پژوهش نامه علوم اجتماعی ، سال سوم، شماره اول، بهار ۱۳۸۸

سطح معنی داری آزمون فوق (۰/۰۰۲) می باشد که کمتر از ۰/۰۵ می باشد در نتیجه فرض برابری میانگین رتبه تناسب الگو به تفکیک میزان مذهبی بودن رد می شود بدین معنی که میانگین رتبه در رده های مختلف یکسان نمی شود. بنابراین می توان نتیجه گرفت که بین بین مذهبی بودن خانواده با نوع الگوهای رفتار اجتماعی دختران ارتباط معنی داری وجود دارد

جدول شماره (۱۹) رتبه بندی و گروه بندی تناسب الگو رفتاری به تفکیک مذهبی بودن خانواده (دانکن)

Subset for alpha = .05		مذهبی بودن خانواده
2	1	
	3.3632	تا حدودی
	3.4154	کاملاً
3.5726		اصلاً
1.000	.480	Sig.

با توجه به نتایج بدست آمده از جدول فوق به این نتیجه می رسیم که کسانی که خانواده آنها مذهبی نمی باشد تناسب الگوی رفتاری بیشتری نسبت به سایرین داشته اند. جالب توجه اینکه دخترانی که خانواده آنها تا حدودی مذهبی می باشد تناسب در الگوی رفتاری ضعیف تر عمل کرده اند و در نهایت خانواده آنها کاملاً مذهبی می باشد در الگوی رفتاری نسبت به دو گروه قبلی در حد متوسط می باشند

بین یکپارچگی مد با نوع الگوهای رفتار اجتماعی دختران ارتباط معنی داری وجود دارد

جدول شماره (۲۰) آماره های توصیفی تناسب الگو رفتاری به تفکیک گرایش به مدویکپارچگی

توجه به مد	میانگین رتبه تناسب الگو	انحراف معیار
کم	3.3765	.49204
متوسط	3.3579	.53991
زیاد	3.5637	.51253
مجموع	3.4564	.52828

جدول شماره (۲۱) آنالیز واریانس تناسب الگو رفتاری به تفکیک گرایش به مدویکپارچگی

آنالیز واریانس					
الگو رفتاری	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	F	سطح معنی داری
بین گروه	3.581	2	1.791	6.619	.002
درون گروه	95.771	354	.271		
مجموع	99.352	356			

بررسی جامعه شناختی عوامل موثر بر الگو پذیری رفتار اجتماعی دختران.....۱۹۷

سطح معنی داری آزمون فوق (۰/۰۰۲) می باشد که کمتر از ۰/۰۵ می باشد در نتیجه فرض برابری میانگین رتبه تناسب الگو به تفکیک میزان پیروی از مد رد می شود بدین معنی که میانگین رتبه در رده های مختلف پیروی از مد که سه رده کم ، متوسط و زیاد می باشد یکسان نمی شود . بنابراین می توان نتیجه گرفت که بین یکپارچگی مد با نوع الگوهای رفتار اجتماعی دختران ارتباط معنا داری وجود دارد

جدول شماره(۲۲)رتبه بندی و گروه بندی تناسب الگورفتاری به تفکیک پیروی ازمد

Subset for alpha = .05		توجه به مد
2	1	
	3.3579	متوسط
	3.3765	کم
3.5637		زیاد
1.000	.805	Sig.

با توجه به نتایج بدست آمده از نمودار فوق به این نتیجه می رسیم که کسانی که پیروی از مد بیشتری دارند تناسب الگوی بیشتری دارند و کسانی که پیروی از مد متوسط و کم دارند تناسب الگوی کمتری دارند

- رگرسیون چند متغیره

اگر تعداد متغیرهای مستقل ۲ تا و یا بیشتر باشد، می توانیم رگرسیون چند متغیره نیز بگیریم. هدف ما از این کار آن است که بفهمیم مفاهیم اصلی تحقیق (متغیرهای مستقل) تا چه میزان بر متغیر وابسته موثر است، یا متغیرهای مستقل تا چه میزان توانایی تبیین و توضیح متغیر وابسته را دارند. برای این کار تمامی متغیرهای مستقل را در رگرسیون لحاظ می کنیم.

جدول شماره(۲۳)آزمون معنا داری رگرسیون ANOVA(b)

مدل	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	F	سطح معناداری
1	8.662	6	1.444	5.726	.000(a)
	85.463	339	.252		
	94.125	345			

با توجه به اینکه میزان سطح معناداری (sig=0/00) کوچکتر از (۰/۰۵) است، پس خط رگرسیون معنا دار می باشد بدین معنی که حداقل یک متغیر در مدل حضور دارد

جدول شماره (۲۴) بررسی صحت و دقت مدل Model Summary

مدل	همبستگی	مربع ضریب همبستگی	ضریب تبیین	خطای استاندارد
1	.303(a)	.092	.076	.50210

ارتباط کلی متغیرهای مستقل با متغیر وابسته $0/303$ می باشد و ضریب تبیین اصلاح شده که نشان دهنده این است که چند درصد تغییرات متغیر وابسته توسط مدل بیان می شود برابر $0/076$ می باشد بدین معنی که مدل فوق تنها ۸ درصد تغییرات متغیر وابسته را بیان می کند

جدول شماره (۲۵) رابطه کلی متغیرها

Sig.	t	Standardized Coefficients	Unstandardized Coefficients		Model
			B	Std. Error	
		Beta			
.000	17.646		.197	3.475	1 ضریب ثابت
.049	-1.976	-.133	.033	-.065	تحصیلات والدین
.104	1.632	.114	.012	.019	طبقه اجتماعی
.941	-.074	-.004	.009	-.001	طبقه اجتماعی دوستان
.367	-.903	-.048	.060	-.054	کارهای فوق برنامه مدارس
.146	-1.457	-.078	.039	-.057	مذهبی بودن خانواده
.033	2.141	.117	.040	.085	پیروی از مد

در اینجا نیز ابتدا به سطح معناداری آزمون t نگاه می کنیم، اگر سطح معناداری (Sig) هر کدام از متغیرهای مستقل کوچکتر یا مساوی $(0/05)$ باشد، به این معنی است که متغیرهای مستقل توانایی تبیین متغیر وابسته را دارد بنابراین ما می توانیم آن متغیر را در معادله خط رگرسیون بنویسیم. با توجه به اینکه متغیرهای تحصیلات والدین و پیروی از مد سطح معناداری کوچکتر از $0/05$ را داشت، پس این متغیرها توانایی تبیین متغیر وابسته (تناسب الگوی رفتاری) را دارد. متغیر طبقه اجتماعی، کارهای فوق برنامه مدارس، مذهبی بودن خانواده و طبقه اجتماعی دوستان در ارتباط با سایر متغیرها اثری بر متغیر وابسته ندارد.

نتیجه گیری

- بررسی رابطه بین ویژگی های فردی والدین با نوع الگوهای رفتار اجتماعی دختران یکی از فرضیات مطرح شده در این تحقیق می باشد. بر این اساس ویژگی هایی مانند سن، تحصیلات و شغل والدین با انتخاب نوع الگوهای رفتار اجتماعی مورد بررسی قرار گرفته است.

بررسی جامعه شناختی عوامل موثر بر الگو پذیری رفتار اجتماعی دختران.....۱۹۹

بررسی رابطه تحصیلات با انتخاب نوع الگوهای رفتار اجتماعی دختران نشان می دهد که بین تحصیلات والدین با نوع الگوهای رفتار اجتماعی دختران ارتباط معناداری وجود دارد. اما این ارتباط با تحصیلات مختلف والدین یکسان نیست. به عبارت دیگر مقایسه بین تحصیلات والدین و الگوهای رفتار اجتماعی نوجوانان دختر نشان می دهد که والدینی که تحصیلات زیردیپلم دارند فرزندانشان الگوهای رفتاری متناسب و منطبق تری با ارزشهای اجتماعی دارند. در حالی که این ارتباط با والدینی که تحصیلات بیشتر دارند کمتر دیده می شود. بطوریکه والدین با تحصیلات فوق لیسانس و بالاتر ضعیف ترین رابطه را نشان می دهد.

ارتباط متغیر وابسته تحقیق با سن والدین رابطه معناداری نشان نمی دهد. به عبارت دیگر نمی توان ادعا نمود که هر چه میزان سن والدین بالاتر و یا پائین تر باشد دختران دارای الگوهای رفتاری متناسب تری هستند. عدم رابطه بین شغل والدین و نوع الگوهای رفتار اجتماعی والدین نیز مشاهده شده است.

پس به طور کلی می توان گفت که از میان ویژگی هایی که در این تحقیق مورد نظر محقق بوده و مورد بررسی قرار گرفته است، تنها ویژگی تحصیلات والدین است که در نوع الگوهای رفتاری دانش آموزان تاثیر معناداری نشان داده است و چنین رابطه ای با سن و شغل والدین مشاهده نشده است.

به نظر می رسد بر اساس نتیجه این فرضیه هر چه تحصیلات والدین کمتر باشد، فرزندان ترجیح می دهند از رفتار آنها الگوبرداری نموده و یا حداقل به ارزشهای مورد نظر والدینشان بیشتر احترام گذاشته و از آنها پیروی کنند.

این نتیجه تا حدودی با تئوری یادگیری از راه مشاهده منطبق نیست. زیرا این تئوری بر این اساس استوار است که پایگاه اجتماعی سطح بالا، موفقیت علمی و تحصیلی می تواند در جلب توجه یادگیرنده موثر واقع شود که چنانچه ملاحظه شد، رابطه تحصیلات والدین با نوع الگوهای رفتار اجتماعی دختران رابطه ای معنادار نشان داد، اما با تحصیلات کمتر والدین. گرچه در تحقیق بزرگراه (۱۳۷۳) نیز نشان داده است که دو عامل سن و تحصیلات والدین دو فاکتور اصلی و مهم است که می تواند نقش به سزایی در داشتن و نداشتن الگو و نیز نوع الگو داشته باشد.

به طور کلی فرضیه اول تحقیق در رابطه با ارتباط تحصیلات با نوع الگوهای رفتاری والدین به تائید رسیده و با سایر ویژگی های فردی مانند شغل و سن تائید نشده است.

- فرضیه دیگر تحقیق ، بررسی رابطه بین ویژگی های طبقاتی با نوع الگوهای رفتار اجتماعی دختران بوده است. نتایج بدست آمده از بررسی این رابطه نیز نشان می دهد که بین طبقه اجتماعی با نوع الگوهای رفتار اجتماعی دختران ارتباط معناداری وجود دارد. اما کدام طبقه اجتماعی در ارائه الگوهای رفتاری متناسب به فرزندان، تاثیر گذار تر است؟ تحلیل استنباطی که توسط آزمون آنالیز واریانس انجام شده است نشان می دهد که در طبقه اجتماعی پایین بیشترین تناسب وجود دارد. طبقات بالای اجتماعی و طبقات متوسط اجتماعی در رتبه های بعدی هستند. به عبارت دیگر دانش آموزانی که در طبقات پایین اجتماعی زندگی می کنند (بر اساس شاخصهای اجتماعی- اقتصادی و فرهنگی که محقق مورد استفاده قرار داده است) الگوهای رفتاری متناسب تری نسبت به طبقات متوسط و بالای اجتماعی داشته اند.

رابطه طبقات اجتماعی و رفتار اجتماعی در بسیاری از تحقیقات پیشین نیز به اثبات رسیده است. اما اینکه در تحقیق حاضر این رابطه در بین طبقات پایین جامعه رابطه ای معنادار نشان داده است، بایستی مورد بررسی بیشتری قرار گیرد. به نظر می رسد نقش طبقه پایین در تعیین نوع الگوهای رفتار اجتماعی دختران تاثیر گذارتر از سایر طبقات اجتماعی است. اما اینکه چرا در طبقات بالای اجتماعی رابطه ای ضعیف مشاهده می شود نیز می تواند به علت نفوذ عناصر جایگزین دیگری مانند گروه همسالان باشد.

- فرضیه دیگر تحقیق به بررسی رابطه بین نوع دوستان و گروه همسالان با نوع الگوهای رفتار اجتماعی دختران پرداخته است. نتایج تحقیق حاضر نشان می دهد که چنین رابطه ای معنادار می باشد. اما این رابطه در بین کسانی که دوستانشان متعلق به طبقه پایین اجتماعی هستند بیشتر از کسانی است که دوستانشان متعلق به طبقات بالا و یا متوسط اجتماعی هستند. نتیجه این فرضیه با سایر تحقیقات گذشته و نظریات ارائه شده در چارچوب نظری نیز انطباق دارد. برای مثال تئوری کنش متقابل نمادین به خوبی قادر است تاثیر این نوع ارتباطات را در بین گروههای دوستان و همسالان روشن سازد.

- فرضیه دیگر تحقیق رابطه بین برنامه های مدارس با نوع الگوهای رفتار اجتماعی دختران را مورد بررسی قرار داده است. نتیجه آزمون استنباطی این تحقیق نیز نشان می دهد که بین برنامه های مدارس با نوع الگوهای رفتار اجتماعی دختران ارتباط معناداری وجود دارد. به عبارت دیگر می توان ادعا کرد که دخترانی که در فعالیتهای آموزشی یا پرورشی و فعالیتهای فوق برنامه

شرکت می‌کنند نسبت به دخترانی که در این برنامه‌های مشارکت ندارند، در نوع الگوی رفتاری آنها تفاوتی مشاهده می‌شود. این نتیجه نشان می‌دهد که برنامه‌های مدارس در ایجاد و انتخاب نوع الگوهای رفتاری دختران تاثیر گذار هستند. طبق تئوری اجتماعی شدن، مدارس موفق ارائه ارزشهای اجتماعی و الگوهای مناسب در دانش آموزان شده‌اند.

- فرضیه دیگر تحقیق به بررسی رابطه بین گروههای مرجع با نوع الگوهای رفتار اجتماعی دختران پرداخته است. نتیجه آزمون این فرضیه نشان می‌دهد که به طور کلی بین گروههای مرجع با نوع الگوهای رفتار اجتماعی دختران ارتباط معنا داری وجود ندارد. با این حال با توجه به نتایج بدست آمده کسانی که گروههای مرجع آنها هنرپیشگان و بازیگران می‌باشد از الگوهای رفتاری متناسب تری نسبت به گروههایی که الگوهای آنها ورزشکاران می‌باشند، هستند. چنانچه قبلاً نیز اشاره شده به دلایل فرهنگی حاکم بر کشور، دانش آموزان در انتخاب الگوهای رفتار اجتماعی شخصیت‌های علمی و مذهبی را شایسته تر از سایر گروههای مرجع می‌دانند. البته خاص زندگی اجتماعی دختران، نظارت زیاد والدین، عدم وجود تفریحات متنوع و بسیاری دیگر از عوامل از جمله دلایلی هستند که در انتخاب الگوی رفتار اجتماعی دختران تاثیر گذار هستند و بیشتر الگوهای آنها درون خانواده شکل می‌گیرد. کما اینکه چنین بررسی‌هایی در میان پسران احتمالاً نتایج متفاوتی خواهد داشت.

- بررسی نقش رسانه‌ها در ایجاد نوع الگوهای رفتار اجتماعی دختران از دیگر فرضیات تحقیق بوده است. نتیجه تحلیلی بدست آمده از آزمون این فرضیه نیز نشان می‌دهد که بین نقش رسانه‌ها با نوع الگوهای رفتار اجتماعی دختران ارتباط معنا داری وجود ندارد. که این نتیجه برخلاف نظر کارشناسان و صاحب نظران می‌باشد. زیرا کارشناسان عقیده دارند یکی از عناصر مهم در ایجاد رفتارهای مطلوب و نامطلوب اجتماعی همین رسانه‌ها می‌باشند. بطوریکه پارکر می‌نویسد: نباید تردید داشت که سینما و رادیو و تلویزیون و... عواملی هستند که کودکان و نوجوانان را شدیداً تحت تاثیر قرار می‌دهند و از هنجار دور می‌کنند و آنها را در وضع ناگوار قرار می‌دهند.

- فرضیه دیگر تحقیق نیز به بررسی میزان مذهبی بودن خانواده با نوع الگوهای رفتار اجتماعی دختران است. با توجه به میانگین‌های بدست آمده کسانی که خانواده آنها مذهبی می‌باشد در نوع الگوهای رفتاری نسبت به کسانی که خانواده آنها مذهبی نمی‌باشد متفاوت بوده‌اند. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که بین مذهبی بودن خانواده با نوع الگوهای رفتار اجتماعی دختران ارتباط

معنا داری وجود دارد و این فرضیه به تائید رسیده است. در این تحقیق کسانی که خانواده آنها مذهبی نمی باشد در ارائه الگوهای رفتاری قوی تر نشان داده اند. جالب توجه اینکه خانواده هایی که تاحدودی مذهبی می باشند ضعیف تر عمل کرده اند و در نهایت خانواده هایی که کاملاً "مذهبی" می باشند در ارائه الگوهای رفتاری در حد متوسط می باشند. چنانچه قبلاً نیز اشاره شد خانواده یکی از مهمترین متغیرهایی است که در ایجاد الگوهای رفتار اجتماعی نقش اساسی ایفا می کند و این نقش به خصوص برای دختران برجسته تر از پسران می باشد. زیرا نظارت بیشتری در خانواده ها بر دختران اعمال می شود و طبق نظریه یادگیری اجتماعی یا نظریه اجتماعی شدن فرایند انتخاب الگوهای رفتار اجتماعی برای دختران ایرانی در درون خانواده شکل می گیرد. نتایج این آزمون با سایر نتایج تحقیقات داخلی و خارجی انجام شده نیز انطباق دارد. کوهستانی (۱۳۷۸)، شیری (۱۳۸۴) کمپل (۱۹۸۷) نشان داده اند که خانواده در ایجاد الگوهای رفتاری نقش موثری ایفا نموده است.

- آخرین فرضیه تحقیق به بررسی رابطه بین گرایش به مد و نوع الگوهای رفتار اجتماعی دختران پرداخته شده است. به عبارت دیگر محقق در تدوین این فرضیه قصد داشته است این ارتباط را بررسی نماید که دخترانی که به مد گرایش دارند در واقع قصد دارند خود را با دیگران همگون نشان دهند گر چه قلباً تمایلی به این کار نداشته باشند. نتیجه این فرضیه به تائید رسیده است و می توان ادعا نمود که پیروی از مد در هر سطحی با نوع الگوهای رفتاری دانش آموزان رابطه معنادار دارد.

چنانچه در بخش چارچوب نظری تحقیق آمده است زیمل ارتباط مد با زنان را ارتباطی مستقیم و فرصتی مناسب برای آنان می داند که تنوع و شکوفایی را در پدیده مد جستجو کنند. زیمل همچنین تبعیت از مد را برای طبقه متوسط بیش از سایر طبقات در بین زنان می داند. وی معتقد است که قشر کارگر جامعه به محض اینکه سطح زندگی خود را از سطح تامین ضروریات زندگی بالاتر ببینند مد مخصوص به خودشان را ایجاد می کنند و این علامت تحرک اجتماعی است. به هر حال در تحقیق حاضر چنین نتیجه ای حاصل شده است و بین گرایش دختران به مد یا عدم گرایش آنان با نوع الگوهای رفتاری آنان رابطه معناداری مشاهده شده است. در بالا نیز اشاره شد که بررسی مسائلی از این دست در مدارس کشور ما به خصوص در دبیرستانهای دخترانه با مشکلاتی مواجه است که در بخش محدودیتهای تحقیق به آنها اشاره می شود و این محدودیتهای

بررسی جامعه‌شناختی عوامل موثر بر الگو پذیری رفتار اجتماعی دختران.....۲۰۳

احتمالاً باعث پاسخگویی صریح دانش آموزان به سوالات هر نوع تحقیقی نیستند. در این تحقیق بانجام رگرسیون به این نتیجه دست پیدا کردیم که از بین متغیرهای مستقل فقط دو متغیر تحصیلات والدین و پیروی از مدمی تواندمتغیر وابسته راتبیین بکنندودیگرمتغیرهای این قابلیت راندارند.

پیشنهادها

بر اساس نتایج بدست آمده از تحقیق پیشنهادهای زیر ارائه می گردد:
نقش خانواده ها در ارائه الگوهای مناسب رفتاری به تأیید رسیده است. بنابر این والدین بخصوص در مورد دختران با نظارت بیشتر می توانند در ارائه الگوهای مناسب رفتار اجتماعی به آنها تاثیر گذار باشند. آموزش و پرورش تاثیر زیادی در ارائه الگوهای رفتاری داشته باشد طبق نتایج بدست آمده از این تحقیق ، نقش موثری را ایفا می کند. بنابر این مسئولین و متولیان آموزش و پرورش بایستی در انتخاب برنامه های آموزشی و پرورشی مناسب در این فرایند نقش موثرتری ایفا نمایند.
رسانه هادرین تحقیق در ایجاد الگوهای رفتاری مناسب نقش موثری را ایفانمی نمایند. تلویزیون با ساخت سریالهای مناسب و برنامه های مستند از شخصیتهای علمی و مذهبی با رویکرد معرفی الگوهای مناسب رفتاری برای گروه سنی نوجوانان قادر به ایفای نقش موثری است.
نظارت صحیح و مستمر بر ارتباط فرزندان با دوستان و گروه همالان که نقش موثری در ایجاد الگوهای رفتاری دانش آموزان دارند، به خانواده ها پیشنهاد می گردد.

پی نوشت ها

1-agnew
2-Rankin

3-empye
4-tigart

منابع

- احمدی ،احمد(۱۳۶۴). اصول و روشهای تربیت در اسلام. اصفهان: جهاد دانشگاهی،
اسفندیار(۱۳۸۷). واقعیت مد و مدگرایی. نشریه پیام زن، شماره ۱۶۹.
اسکید مور، ویلیام(۱۳۷۲). تفکر نظری در جامعه شناسی. ترجمه علی محمدحاضری [...ودیگران]. تهران:سفیر،
آبر کرامی، ترنر(۱۳۶۷). فرهنگ جامعه شناسی. ترجمه حسن پویان. تهران: چاپخش،
بیرو، آلن(۱۳۶۶). فرهنگ علوم اجتماعی. ترجمه باقر ساروخانی. چاپ اول. تهران: کیهان،
پیر خایفی، علیرضا (۱۳۷۷). مدیریت خلاقیت و هنر. مجموعه مقالات گردهمایی پژوهشی مدیریت و هنر. مرکز مطالعات و تحقیقات هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
تنهایی، ابوالحسن(۱۳۸۲). جامعه شناسی نظری. تهران: نشر بهمن برنا ، چاپ اول.
توسلی، غلامعباس(۱۳۶۹). نظریه های جامعه شناسی. چاپ اول. تهران: سمت،
حق شناس، مریم(۱۳۷۸). خلاقیت در آموزش و پرورش. فصل نامه مدیریت آموزش و پرورش. شماره ۲۴-۲۳.

۲۰۴..... پژوهش نامه علوم اجتماعی ، سال سوم، شماره اول، بهار ۱۳۸۸

رستم خانی، معصومه (۱۳۸۱). بررسی نقش والدین در فرار دختران. مقالات اولین همایش ملی آسیبهای اجتماعی در ایران. جلد پنجم. انجمن جامعه شناسی ایران.

روشه، گئی (۱۳۶۸). **کنش اجتماعی**. ترجمه هما زنجانی زاده. مشهد: آستان قدس رضوی،

ریتزر، جورج (۱۳۷۴). **نظریه جامعه شناسی در دوران معاصر**. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: انتشارات علمی،

زیمل، گئورگ (۱۳۸۶). "زن و مد". ترجمه عباس کاظمی و عبد الله سالاروند.

سیف، علی اکبر (۱۳۷۴). **تغییر رفتار و رفتار درمانی: نظریه ها و روشها**. تهران: نشر دانا،

شعاری نژاد، علی اکبر (۱۳۷۴). «**روان شناسی رشد**». چاپ دوازدهم تهران. تهران: نشر اطلاعات،

فتحی، سروش [و دیگران] (۱۳۸۵). بررسی جامعه شناسی مدگرایی در بین دانشجویان دختر. **فصلنامه علوم اجتماعی خلخال**. سال سوم، شماره نهم.

کریمی، یوسف (۱۳۷۸). **روانشناسی اجتماعی**. تهران: انتشارات رشد، چاپ سیزدهم.

معمدی، سید هادی (۱۳۸۲). "اولویت بندی آسیبها و مسائل اجتماعی در ایران". طرح تحقیقاتی دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.

مقدسی، مریم (۱۳۷۹). "بررسی علل فرار دختران نوجوان از خانه". پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.

<http://www.afarineshdaily.ir>

Archive of SID

۲۰۵.....دختران اجتماعی رفتار پذیرگی موثر بر الگو پذیرگی رفتار اجتماعی دختران

¹ -agnew

² -Rankin

³ -empye

⁴ -tigart

Archive of SID